

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هفتم، شماره پنجاه و هشتم، تیر و مرداد ۱۳۹۸

ارتقاء جایگاه پرتال علوم انسانی در فضای وب
همایش «بررسی متون الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»
صدور مجوز برگزاری «کانون‌های ارزیابی و توسعه مدیران» برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بازدید «معاون هماهنگی و نظارت فرهنگی، اجتماعی و همکاری‌های منطقه‌ای» معاون اول رئیس جمهور از پژوهشگاه
دکتر قبادی: فضاهای مجازی و مهندسی‌زدگی کشور، موجب فرسایش زبان فارسی می‌شوند
دیدار مدیر آموزش بانک مرکزی با رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برگزاری جلسه هم‌اندیشی «تدوین بیانیه مأموریت پژوهشگاه»
برگزاری اولین نشست کارگروه «مردم و مشارکت» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سومین جلسه شورای سیاستگذاری کنگره بین‌المللی «امام علی(ع) پژوهی»

سخنرانی‌ها و نشست‌ها

قرآن زعفرانی با ترجمه‌ای کهن به فارسی
نقش رسانه‌ها در تربیت دینی خانواده‌ها
رویکردی به تصمیم‌سازی حکمرانی آب در وقایع حدی طبیعی
اخلاق حرفه‌ای در پژوهش؛ مسئولیت اجتماعی دانش
هویت ملی و تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم
به ستوه آوردن روانی؛ جلوه‌ای از خشونت خانگی
رسانه‌ها و سبک زندگی جوانان ایرانی
دو دهه داستان کوتاه فارسی: نویسنده، متن، مخاطب
ایده ایران؛ زبان فارسی و هویت ایرانی
رسانه‌های اجتماعی، کاربران ایرانی و سبک زندگی موبیتال
خوانش فصل اول کتاب شذرات المعارف
آسیب‌شناسی ربع قرن جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان
نظام‌های گفتمانی دیجیتال و آنالوگ
بررسی زمینه‌ها و علل اساسی بحران تورم
بحث‌هایی درباره فلسفه و ادبیات
مسئولیت اجتماعی دانشگاه
تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌شناختی «کتاب» و «هدیه» و تأثیر آن در توسعه فرهنگی جامعه

صدور مجوز برگزاری «کانون‌های ارزیابی و توسعه مدیران» برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مطابق بخشنامه شماره ۱۶۵۷۳۶۳ مورخ: ۰۴/۱۱/۹۶ سازمان اداری و استخدامی کشور، انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری، می‌بایست از طریق کانون‌های ارزیابی مورد تأیید این سازمان انجام شود.

توجه روزافزون به سرمایه‌های انسانی به‌عنوان منابع بی‌بدیل و مزیت رقابتی سازمان‌ها، سبب ظهور رویکردهای نوینی در عرصه هدایت، رهبری و توسعه سرمایه‌های انسانی شده است. از جمله این رویکردها، کانون‌های ارزیابی و توسعه است. رویکرد کانون‌های ارزیابی و توسعه، نسبت به سایر روش‌های ارزیابی قدرت پیش‌بینی بیشتری دارد و به دلیل ویژگی‌های متمایز، در حال حاضر برترین رویکرد ارزیابی محسوب می‌شود. از نتایج این ارزیابی‌ها، استفاده‌های متنوع و مهمی به عمل می‌آید. بیشترین استفاده از نتایج این کانون‌ها در فرآیند ارزیابی، توسعه، پرورش و آموزش قابلیت‌ها، و مهم‌ترین استفاده‌کنندگان آن، مدیران سازمان‌ها و افراد ارزیابی‌شونده هستند. این روش، شایستگی‌های افراد را در قیاس با استانداردهای مورد نظر، به منظور شناسایی اهم نقاط قوت و زمینه‌های قابل‌بهبود آنان مورد سنجش قرار می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به عنوان بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، طی فرایندی چندین ماهه و با ارائه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اعضای هیأت علمی خود، پس از گذراندن مراحل متعدد، مجوز برگزاری کانون‌های ارزیابی و توسعه شایستگی‌های عمومی مدیران حرفه‌ای را از سازمان اداری و استخدامی کشور اخذ کرد. مجوز برگزاری کانون‌های ارزیابی به پژوهشگاه این امکان را می‌دهد که در کنار حدود ۲۰ سازمان برخوردار از این مجوز (مانند دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه شهید بهشتی و جهاد دانشگاهی) به ارزیابی شایستگی‌های مدیران سازمان‌های دولتی در سراسر کشور اقدام کرده و از این طریق گام مهمی در پیشبرد و اعتلای نظام مدیریت کشور بردارد.



دیدار مدیر آموزش بانک مرکزی با رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صبح روز شنبه، ۲۹ تیرماه ۱۳۹۸ دکتر عباسزاده، مدیر آموزش بانک مرکزی در بازدید از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با رئیس و معاون اداری مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه، رئیس پژوهشکده اقتصاد و مدیریت، و مدیر دفتر کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی دیدار کرد.

دکتر قبادی ضمن بیان ظرفیت‌های پژوهشگاه به‌عنوان بزرگترین پژوهشگاه منطقه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با برخورداری از ۱۷ پژوهشکده، ۱۳۰ عضو هیأت علمی، دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و پسادکتری، در مورد امکانات و ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مرکز آموزش‌های آزاد پژوهشگاه، شورای بررسی متون و شبکه نخبگانی با مشارکت بیش از ۲۵۰۰ عضو هیأت علمی از دانشگاه‌ها و مراکز علمی سراسر کشور، مرکز نوآوری، طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور نیز توضیحاتی ارائه داد و تأکید کرد این ظرفیت‌ها می‌تواند در تقویت پیوند نظام دانشی علوم انسانی و نظام مدیریتی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

وی همچنین همایش‌های برگزار شده توسط پژوهشگاه با محوریت ارتباط علوم انسانی و صنعت و تأسیس دبیرخانه دائمی این جشنواره را یادآور شد و با تأکید بر توان و تجربه پژوهشگاه برای انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، از تأسیس و ارتقای پایگاه دادگان زبان فارسی، جشنواره قدردانی از پایان‌نامه‌های برتر در حوزه تولید و اشتغال به‌عنوان برخی از اقدامات انجام شده در این عرصه طی چند سال اخیر نام برد.

از سوی دیگر، مدیر آموزش بانک مرکزی نیز ضمن تقدیر از اقدامات انجام شده در پژوهشگاه در زمینه کاربردی‌سازی علوم انسانی، اعلام کرد: با توجه به اینکه برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه آموزش در بانک مرکزی و شبکه بانکی در دستور کار قرار دارد، آمادگی داریم از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی مراکز پیشرو نظیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جهت پیشبرد اهداف کلان آموزشی استفاده کنیم.

در ادامه این دیدار، حاضران دیدگاه‌های خود در خصوص نحوه گسترش همکاری‌ها را بیان کردند و مقرر شد این موضوعات در جلسات تخصصی بعدی مورد بررسی‌های بیشتر قرار گیرد.



دکتر قبادی در دیدار با همکاران پژوهشکده زبان و ادبیات:

فضاهای مجازی و مهندسی زدگی کشور، موجب فرسایش زبان فارسی می‌شوند

و بوستان و...) برای عموم مردم برگزار شود. همچنین دکتر محمدنژاد نیز با اشاره به مأموریت گروه ترجمه و کاربردهای اجتماعی ادبیات، به تبیین محورهای اصلی برنامه‌ریزی‌شده پژوهشکده در زمینه فعالیت‌های کاربردی پرداخت و سه محور اصلی را در این خصوص شرح داد: ترویجی‌سازی ادبیات فارسی، مهارت‌آموزی و توانمندسازی، تأمین محتوا و اجرای پژوهش‌های فرهنگی- ادبی مبتنی بر اولویت‌های سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی.

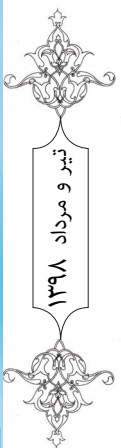
در بخش دیگر جلسه، دکتر شریف‌نسب، معاون پژوهشکده، به تبیین جزئیات برنامه کاربردی‌سازی پژوهشکده ادبیات پرداخت که در این خصوص دکتر قبادی بر لزوم ثبت این برنامه در چشم‌انداز پنج‌ساله تأکید داشت.

در ادامه جلسه، اعضای هیأت علمی و کارشناسان پژوهشکده، مسائل و مشکلات خود را در زمینه طرح‌های پژوهشی کارفرمایی، شرایط ارتقای اعضای هیأت علمی، وضعیت مجلات پژوهشکده و ... با رئیس پژوهشگاه درمیان گذاشتند و در مورد آن به بحث و تبادل نظر پرداختند.

جلسه شورای عمومی پژوهشکده زبان و ادبیات، صبح روز شنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۹۸ با حضور رئیس پژوهشگاه، دکتر قبادی، اعضای هیأت علمی و کارشناسان پژوهشکده برگزار شد. جلسه با خوشامدگویی و گزارش رئیس پژوهشکده، دکتر محمدنژاد، آغاز شد و پس از آن دکتر قبادی ضمن ابراز خرسندی از حضور در پژوهشکده ادبیات و گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم دکتر فرزاد جعفری، با اشاره به ساختار جدید پژوهشکده در قالب سه گروه پژوهش‌های ادبی، نقد و نظریه و مطالعات میان‌رشته‌ای ادبی، ترجمه و کاربردهای اجتماعی ادبیات، بر لزوم تمرکز بیشتر پژوهشکده در زمینه طرح‌های مرتبط با کاربردهای اجتماعی ادبیات تأکید کرد.

وی افزایش به کارگیری فضاهای مجازی و مهندسی‌زدگی کشور را از جمله عوامل جابه‌جاشدن ارزش‌های فرهنگی و فرسایش زبان فارسی دانست و گفت: وظیفه استادان و پژوهشگران زبان و ادبیات این است که مانع تداوم این آسیب فرهنگی-زبانی در کشور شوند، لذا بایسته است که پژوهشکده زبان و ادبیات در این خصوص برنامه‌های دقیقی تدوین و اجرا کند.

در ادامه دکتر پورنامداریان برای حضور فعال‌تر ادبیات در سطح جامعه پیشنهاد کرد کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزش مهم‌ترین آثار ادب فارسی (همچون گلستان



بازدید «معاون هماهنگی و نظارت فرهنگی، اجتماعی و همکاری‌های منطقه‌ای» معاون اول رئیس جمهور از پژوهشگاه

اقتصادی و مدیریتی را اولیتی دانست که دولت به آن توجه ویژه‌ای دارد.

پس از آن اعضای هیأت علمی پژوهشگاه ضمن بیان دیدگاه‌های خود، ظرفیت‌ها و امکانات این مرکز پژوهشی مانند برگزاری نشست‌های تخصصی در موضوعات مختلف، تجربه اجرای طرح‌های کاربردی در علوم انسانی با جلب حمایت کارفرمایان مختلف، انجام پژوهش‌های مسئله‌مند میان‌رشته‌ای، تقویت نهادهای زبان فارسی، طرح کلان اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور و مانند آن را برای اثرگذاری در فرایندهای برنامه‌ریزی توسعه کشور مورد تأکید قرار دادند. پس از برگزاری این جلسه، دکتر علیخانی با حضور در کتابخانه مرکزی پژوهشگاه با گنجینه آثار خطی و چاپ سنگی منحصر به فرد آن آشنا شد.

دکتر مهدی علیخانی، معاون هماهنگی و نظارت فرهنگی، اجتماعی و همکاری‌های منطقه‌ای معاون اول رئیس جمهور، روز شنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۹۸ ضمن بازدید از بخش‌های مختلف پژوهشگاه، با اعضای هیأت رئیسه و جمعی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه گفتگو کرد. در ابتدای این دیدار دکتر قبادی با معرفی پژوهشگاه، به قدمت و تنوع فعالیت‌های علمی و پژوهشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی در این مجموعه اشاره کرد و فرصت ارتباط با نهادهای مختلف دولتی را بسیار مغتنم دانست.

در ادامه دکتر علیخانی با اشاره به ضرورت گسترش ارتباط مجموعه دولت به‌ویژه معاونت اول ریاست جمهوری با پژوهشگاه، بهره‌گیری از پژوهش‌های علوم انسانی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و امور زیربنایی



همایش «بررسی متون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»

در ادامه مراسم آیت‌الله مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، سخنرانی خود با عنوان «جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اسناد بالا دستی» را

همایش «بررسی متون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» روز پنج‌شنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸، به همت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار شد.



ارائه کرد و گفت: پیشرفت مستلزم تحول مطلوب نفوس انسانی و ظهور انسان‌های خواهان تحول در راستای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و تحول هنجارها از هنجارهای خودخواهانه و منفعت‌طلبانه به هنجاری کمال‌جویانه، جمع‌گرایانه و حرکت همراه با هم افراد جامعه به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده و نخبه است و از این رو تدریجی، طولانی، وابسته به ایمان و عزم و تلاش ملی و صبر و مداومت همگانی است. الگوی

اسلامی-ایرانی پیشرفت، چارچوب بالادستی سیاست‌های کلی نظام و خود از مقوله سیاست‌های کلی است و طبعاً ذیل قانون اساسی و فوق قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و مصوبات مجلس، دولت، قوه قضائیه و شوراهای بالادستی و دستگاه‌ها و نیروهای مسلح و سایر نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد و در آن باید آرمان‌ها و اهداف دست‌یافتنی با توجه به

ظرفیت‌های کشور و ملت و با توجه به شرایط درونی و بیرونی و وجود کشورهای رقیب در منطقه و جهان و وجود موانع درونی و بیرونی از جمله سیاست‌های استکبار جهانی و صهیونیسم و ارتجاع منطقه تعیین و تدوین شود و حرکت، رشد و پیشرفت به سوی آرمان‌ها و اهداف باید در کوتاه‌ترین مسیر ممکن قرار گیرد. همچنین حسین سلیمی، رئیس دانشگاه علامه طباطبائی با عنوان «آینده‌پژوهی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»

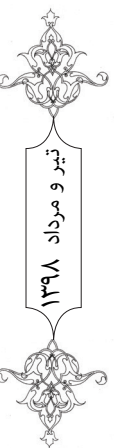
در ابتدای همایش دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنرانی خود با عنوان «برنامه توسعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مسئله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» را ارائه کرد.

وی با حمایت پژوهشگاه از برگزاری این همایش و قدردانی از برگزارکنندگان همایش به اجابت پژوهشگاه از خواسته رهبری مبنی بر ورود دانشگاه‌ها و مراکز علمی

به بحث سند الگو اشاره کرد و گفت: در رابطه با این موضوع پیش‌تر نیز جلسات نقد و بررسی برگزار و نتایج حاصل از آن به مرکز الگو جهت اثربخشی تقدیم شد.

دکتر قبادی افزود: برنامه توسعه پژوهشگاه با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب، ظرفیت تعامل با سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را دارد و حاصل تحقق این ظرفیت‌ها در جلسات پژوهشگاه ارائه می‌شود. از همکاران و

پژوهشگران هم خواسته شده است که برنامه دوم توسعه پژوهشگاه نیز ناظر به الگوی پیشرفت و ملهم از بیانیه گام دوم رهبر انقلاب باشد. از مواردی که در این برنامه متأثر از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفته است می‌توان به هدف رسیدن به دانشگاه نسل چهارم، برنامه پیشرفت علمی در پژوهشگاه، ترویج دیپلماسی علم، توجه ویژه به علوم انسانی و صنعت و در آخر عمومی‌سازی علم اشاره کرد.



آینده‌پژوهانه در تک تک موضوعات صورت بگیرد که پشتیبان نگارش سند الگو باشد. در ادامه سخنرانی‌های متعددی با عناوین ذیل برگزار شد:

- گذار به نوآوری؛ نقد سند پایه‌الگو از نظر حکمرانی اقتصاد دانش بنیان
- تجزیه و تحلیل الگوی پایه‌اسلامی-ایرانی پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- نقد الگوی پایه‌اسلامی-ایرانی پیشرفت و برخی پیشنهادات اصلاحی
- نقدی بر الگوی پایه‌پیشرفت مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
- ارزیابی انتقادی سندالگوی پایه‌اسلامی-ایران پیشرفت ازمنظر اهداف و رویکردها
- رویکرد عقلی به تحقق حکمرانی خوب در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
- در پایان همایش در پنل «تبادل نظر و گفتگوی علمی درباره‌الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، مباحثی از محورهای همایش که توسط سخنرانان پوشش داده نشده، مورد بحث قرار گرفت و در اختتامیه همایش، جمع‌بندی مباحث مطرح شده، قرائت شد.

سخنان خود را مطرح کرد و به رویه‌مرسوم استفاده از پژوهش‌های بنیادین آینده‌پژوهانه در تدوین برنامه‌های بلندمدت در دنیا اشاره کرد و آینده‌پژوهشی را تلفیقی بین



آینده‌های گوناگون ممکن و مطلوب تعریف کرد. سلیمی تأکید کرد: برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که قرار است سندی بالا دستی بر اسناد دیگر باشد، علاوه بر بینش درست، نیاز به پژوهش‌های آینده‌پژوهانه است. وی در ادامه به چارچوب یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به نام «تحلیل لایه‌لایه علت‌ها» اشاره و ارتباط آن با الگوی پیشرفت را مطرح کرد. در آخر نیز پیشنهاد شد، در این زمینه با سرمایه‌گذاری مناسب، پژوهشی



دکتر قبادی: باید از جایگاه و منزلت ملی پژوهشگاه صیانت کنیم

تجربیات و دانش گرانبهای استادان مختلف این عرصه سود می‌بریم.

قبادی در ادامه ضمن قدردانی از تلاش‌های دکتر ربانی‌زاده (معاون سابق اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه)، برای دکتر قنبرلو در سمت جدیدش آرزوی موفقیت کرد و گفت: دکتر قنبرلو در عین حال که از تجربه‌های موفق اجرایی در سمت مدیر روابط بین‌الملل، مدیر دفتر نظارت و ارزیابی، مدیر تحصیلات تکمیلی برخوردار هستند؛ از دانشجویان بسیار موفق پژوهشگاه به‌شمار می‌آیند و پرونده پرباری در هیأت ممیزه دارند که ان‌شاءالله با کمک و همدلی همه اعضای پژوهشگاه و شما عزیزان در جهت ارتقاء پژوهشگاه کوشش خواهند کرد.

در ادامه جلسه متن‌های پیشنهادی درباره مأموریت پژوهشگاه مورد بحث و بررسی حاضران قرار گرفت و مقرر شد در این خصوص بر پایه اسناد بالادستی طبق اساسنامه، اهداف و وظایف سازمانی پژوهشگاه و با عنایت به سنجش برنامه اول توسعه راهبردی پژوهشگاه و چالش‌های اجتماعی امروز جامعه ایران، دیدگاه‌های پیشنهادی حاضران در متن لحاظ شود و متن نهایی با مشورت استادان رشته مدیریت و نظرسنجی حاضران از سوی مدیریت دفتر نظارت و ارزیابی، نهایی شده و در زمان محدود پیش از تشکیل جلسه هیأت امناء، به دبیرخانه هیأت امناء ارسال شود.

پس از سپری شدن مدت برنامه توسعه راهبردی اول پژوهشگاه، دومین برنامه با مشارکت فراگیر اعضای محترم هیأت علمی و پس از طرح در شورای پژوهشی با رویکردی درونزا و با مدیریت دفتر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه تدوین شد و در آستانه طرح در هیأت امناء، به منظور تدقیق نهایی آن، روز سه‌شنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۸، جلسه هم‌اندیشی «تدوین بیانیه مأموریت پژوهشگاه» تشکیل شد.

این جلسه با حضور اعضای هیأت رئیسه پژوهشگاه، ۹ تن از رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز، چند تن از نمایندگان دیگر پژوهشکده‌ها و با دعوت از صاحب‌نظران از جمله دکتر تسلیمی، دکتر ذری و با اخذ نظر از تنی چند از نام‌آوران عرصه آموزش عالی، برگزار شد. دکتر قبادی طی سخنانی کوتاه در پیش بودن سالروز شهادت امام محمد باقر (ع) و اعیاد قربان و غدیر را تسلیت و تهنیت گفت و بیان داشت: خوشوقتانه درباره تدوین بیانیه مأموریت پژوهشگاه، استادانی چون دکتر پورنامداریان، دکتر داوری اردکانی و ... نظرات و راهکارهای مفیدی را به صورت مکتوب ارائه کرده‌اند که جا دارد از همکاری تک تک اعضا تشکر ویژه‌ای داشته باشیم.

دکتر قبادی افزود: پژوهشگاه با توجه به ظرفیت‌های بالا و داشتن سرمایه‌های انسانی و ۱۲۸ عضو هیأت علمی و شبکه نخبگانی سه هزار نفره می‌تواند به یک نهاد ملی بی‌بدیل در کشور تبدیل شود و ما می‌خواهیم به جایگاه ملی پژوهشگاه توجه شود. در این راستا از



گزارش نشست «بحث‌هایی درباره فلسفه و ادبیات»

روز دوشنبه مورخ ۳ تیر ۱۳۹۸ نشست «بحث‌هایی درباره فلسفه و ادبیات» با حضور جمعی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اندیشمندان و پژوهشگران فلسفه و ادبیات در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست بحث اصلی، مروری علمی و نقادانه

است. وی ادامه داد: در نگاهی منصفانه می‌توان ادعا کرد که ادبیات نسبت به فلسفه، عمومیت، کلیت و حتی قدمت بیشتری دارد؛ چرا که ادبیات به معنای ابتدایی حتی در بین جانداران دیگر نیز به چشم می‌خورد. مثل این تک بیت سنائی: «توحیدگوی او نه بنی آدم‌اند و بس هر بلیلی که زمزمه بر شاخسار کرد».



به کتاب جدید دکتر کریم مجتهدی با عنوان «جستارهایی در فلسفه و ادبیات» بود. دکتر کریم مجتهدی (برگزیده جایزه علامه طباطبایی) و استاد برجسته فلسفه دانشگاه تهران، چهره ماندگار و از مفاخر فرهنگی است که در سال ۱۳۸۹ در جشن‌نامه فارابی موفق به اخذ نشان طلای ابن سینا شده است.

در ابتدای جلسه دکتر شکوه حسینی، رئیس دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی، اشاره‌ای اجمالی به بخش‌های مختلف کتاب داشت و نحوه چیدمان مطالب برگزیده از آن را برای نشست بیان کرد. سپس دکتر مجتهدی به عنوان مقدمه، درباره تأملاتی که در زمینه ارتباط فلسفه با ادبیات داشته است، مطالبی را بیان داشت.

وی در ابتدا اشاره کرد که فلسفه همواره در جستجوی راهی برای برقراری ارتباط با دیگر رشته‌هاست و می‌تواند مصداق عینی از همکاری رشته‌های مختلف با یکدیگر باشد که البته در بعضی موارد، الزاماً فلسفه در این راه موفق نمی‌شود. بسیاری از ادیبان و رمان‌نویسان مطرح جهان مطالعات فلسفی داشته‌اند چراکه این مهم سبب تعمق بیشتر در شخصیت‌پردازی و روانشناسی شخصیت‌های داستان‌های آنها می‌شده

دکتر مجتهدی در ادامه با بیان اینکه ادبیات قدمت دارد چون ذوق قدمت دارد، تصریح کرد: ریشه‌های ادبیات را می‌توان در هر قوم و منطقه‌ای به خوبی دید، اما فلسفه هرگز تا این حد عمومیت نداشته است. می‌توان گفت ادبیات نسبت به فلسفه عامل‌تر، گسترده‌تر و قدیمی‌تر است.

وی در ادامه یادآور شد: ریشه فلسفه را می‌توان و باید در یونان جستجو کرد، گرچه بسیاری اعتقاد دارند فلسفه به معنای واقعی کلمه در قرن‌های اخیر و با پیدایش تفکر انتقادی دوره کانت شکل گرفته است. وی خاطرنشان کرد: فلسفه در هر صورت معقول‌ثانی است. به عبارت دیگر، فلسفه تفکر درباره فکر است و الزاماً خود فکر به فلسفه تعبیر و معنی نمی‌شود. در واقع، ذهن فیلسوف مقید است و می‌تواند فکر عمیق را تشخیص دهد اما ادبیات عمومی‌تر است و گاهی به بیان روزمره اکتفاء می‌کند. با این توضیح هر ادیبی می‌تواند خود را نوعی فیلسوف بداند اما هر فیلسوفی الزاماً ادیب و صاحب ذوق ادبی نیست.

دکتر مجتهدی با بیان اینکه فلسفه یعنی پشتکار، تلاش، خواستن و بودن، ادامه داد: در کتاب فلسفه و ادبیات تلاش شده است که مطلب با نمونه و مثال بیان شوند نه اینکه کنه مطلب گفته شود و بعد

برای اثبات آن به مثال‌ها مراجعه کنیم. در واقع این کتاب، به‌صورت تجربی و با روش استقرایی نوشته شده است، یعنی رابطه فلسفه و ادبیات با آوردن نمونه‌های عینی بیان داده شده است. به عنوان مثال در این کتاب نگاه فلسفی ابن‌سینا به‌عنوان بزرگترین فیلسوف ایران براساس حکایات تمثیلی او بیان می‌شود.

وی با اشاره به اینکه در این کتاب مسیر شناخت اروپائیان از فلسفه ارسطو در نظر گرفته شده است، تأکید کرد: کتاب فلسفه و ادبیات بیان می‌کند چرا در قرون ابتدایی، مردم غربی مسیحی از یونان تنها کتاب‌های اقلیدوس را می‌خواندند و بعدها افلاطون را مورد توجه قرار دادند؛ چون ارسطو جهان را «قدیم» می‌دانست اما با استفاده از افلاطون می‌توانستند سنت‌های دینی خود را بهتر اثبات کنند. در واقع نگاه افلاطون و سنت‌های نوافلاطونی تطابق بیشتری با سنت مسیحیان داشت و از ارسطو بیشتر به منطق او توجه داشتند. البته در عصر جدید بیشتر فن شعر ارسطو مورد توجه قرار گرفت و شعرا و نویسندگان غربی - خاصه ایتالیایی‌ها و فرانسویان استفاده‌های زیادی از آن کردند. این برداشت غرب از فلسفه ارسطو و افلاطون بود. نحوه و چگونگی شناخت ارسطو در مسیر تاریخ، تأثیرات بسیاری بر ادبیات اروپاییان داشته است.

پس از آن سخنرانان به ترتیب، مطالب مختلفی در حوزه مسائل مربوط به فلسفه و ارتباط آن با ادبیات ارائه کردند. دکتر فاطمه مینایی، دکترای فلسفه و عضو هیأت علمی دانشنامه جهان اسلام درباره افلاطون و ارسطو و مقایسه دیدگاه‌های آن دو نسبت به شعر مطالبی را مطرح کرد. سپس دکتر زینه عرفت‌پور، دکترای ادبیات عربی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درباره تبیین دیدگاه عبدالرحمن بدوی و انتقاد او به ابن‌سینا و پاسخی که دکتر مجتهدی نسبت به این دیدگاه بیان نموده سخنانی ایراد کرد. در ادامه، دکتر زهرا مبلغ، دکترای فلسفه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره حکایت‌های تمثیلی ابن‌سینا و نظرات دیدگاه‌های مختلف نسبت به نوع بیان ابن‌سینا در این حکایت‌ها و نوع بیان او سخن گفت.

در بخش دوم جلسه که مربوط به بخش دوم کتاب فلسفه و ادبیات بود، دکتر ژاله کهنمویی، مدیر اسبق گروه زبان فرانسه دانشگاه تهران، درباره ادبیات فرانسه در قرن هفدهم و شخصیت‌های برجسته آن مطالبی را ایراد نمود. سپس دکتر محمد منصور هاشمی، عضو هیأت علمی دانشنامه جهان اسلام، درباره دیدگاه هگل از داستان‌نویسی در عصر جدید و گذار از اسطوره و شعر به ادبیات و رمان در دوران معاصر به تفصیل سخن گفت.

در ادامه دکتر جان‌الله کریمی مطهر، دکترای ادبیات روسی و دبیر شورای متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره نگاه تولستوی در آثار خود و به‌طور ویژه درباره مفهوم جنگ سخن گفت. پس از وی دکتر روح‌الله کریمی، دکترای فلسفه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درباره توماس مان و واکنش او به حزب نازی و محرومیت او به‌عنوان اولین برنده جایزه نوبل ادبیات در آلمان سخنرانی خود را ایراد نمود.

در انتهای نشست، دکتر کریم مجتهدی با تذکر چند نکته در سخنان سخنرانان از تمامی آنان تقدیر نمود.



ارتقاء جایگاه پرتال علوم انسانی در فضای وب

«پرتال جامع علوم انسانی» که از سال ۱۳۸۸ به همت «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، راه‌اندازی شده است، با بارگذاری ۱۳۵۱ نشریه در قالب ۳۵ هزار شماره و بیش از ۳۱۶ هزار داده علمی تمام متن با دسترسی آزاد و بدون محدودیت، میزبان جامعه علمی کشور در حوزه علوم انسانی و اسلامی اعم از تولیدکنندگان آثار، ناشران، محققان و اندیشمندان از سراسر جهان است.

وجه تمایز پرتال مذکور نسبت به پایگاه‌های مشابه، دسته‌بندی موضوعی مقالات در ۳۳۰۰ زیرحوزه گروه علوم انسانی و اسلامی است به نحوی که محققان علاوه بر دسترسی به مقالات از طریق جستجو در عنوان، نویسنده، ناشر و ... از طریق موضوع و حوزه تخصصی مقالات منتشر شده نیز امکان دسترسی به محتوای مورد نیاز خود را خواهند داشت.

با راه‌اندازی نسخه جدید پرتال در شهریور ماه ۱۳۹۷ میزان مراجعه‌کننده به پرتال در سال ۱۳۹۸ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۷ با رشد بیش از ۳۰۰ درصدی همراه بوده است. همچنین رتبه پرتال در وبسایت معتبر الکسا به عنوان میزان مراجعه‌کننده به کلیه وبسایت‌ها پس از ارائه نسخه جدید پرتال، از سوی کاربران ایرانی با رشد ۵۰۱ پله‌ای و کاربران سراسر جهان با رشد ۱۲۵۵۷ پله‌ای همراه بوده است. شایان ذکر است پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ازای خدمات ارائه شده در پرتال اعم از خدمات به صاحبان آثار نظیر ایجاد صفحات اختصاصی نشریات، درج مقالات و ... و همچنین خدمات به محققان شامل دسترسی به محتوای تمام متن مقالات، دسترسی موضوعی و .. هزینه‌ای دریافت نمی‌کند. در ادامه گزارشی از فعالیت پرتال در سال ۱۳۹۸ و آماری از داده‌های موجود در آن از آغاز تا کنون ارائه شده است.

۱- آمار بازدید از پرتال در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۸ و مقایسه با زمان مشابه در سال ۱۳۹۷

با توجه به آمار استخراج شده از نرم افزار معتبر Google Analytics، در ۴ ماهه نخست سال ۱۳۹۸ بیش از ۳ میلیون و ۸۰ هزار کاربر جهت بهره‌مندی از داده‌های پرتال به وبسایت ensani.ir مراجعه کرده‌اند. این تعداد کاربر از بیش از ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار صفحه در پرتال بازدید نموده‌اند.

میزان مراجعه‌کننده (بازدید) و صفحات بازدید شده پرتال فروردین لغایت تیر ماه ۱۳۹۸

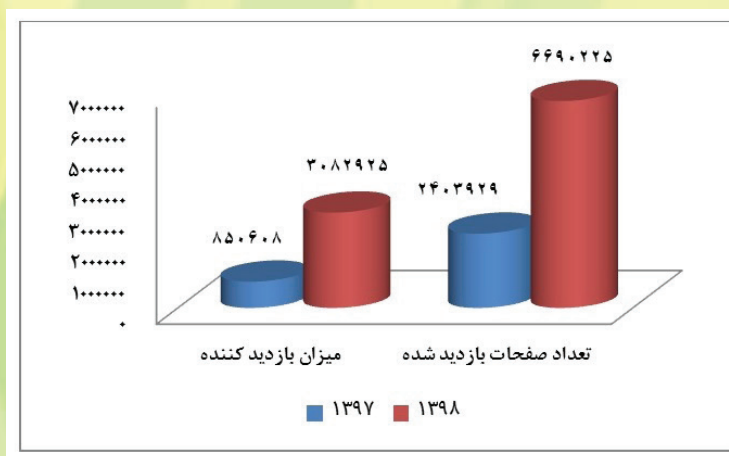
عنوان	تعداد بازدید / مراجعه
مراجعه‌کننده (کاربر)	۳,۰۸۲,۹۲۵ کاربر
صفحات بازدید شده	۶,۶۹۰,۲۲۵ صفحه
میانگین روزانه مراجعه‌کننده	۲۴,۸۶۲ کاربر
میانگین روزانه صفحات بازدید شده	۵۳,۹۵۳ صفحه
نسبت صفحات بازدید شده به کاربر	۲.۱۷ صفحه

آمار ارائه‌شده فوق در زمان مشابه در سال ۱۳۹۷ برای میزان بازدیدکننده رقم ۸۵۰ هزار کاربر و برای صفحات بازدید شده ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار صفحه توسط نرم افزار گوگل آنالیتیک ثبت شده است. با استناد به آمار موجود، میزان بازدیدکننده در سال ۱۳۹۸ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۷، رشدی معادل ۳.۶۲ برابر را نشان می‌دهد. این رقم برای میزان صفحات بازدید شده، رشدی معادل ۲.۷۸ برابر بوده است.



مقایسه میزان مراجعه‌کننده (بازدید) و صفحات بازدید شده پرتال

عنوان	تعداد بازدید / مراجعه		درصد تغییر
	۱۳۹۷	۱۳۹۸	
مراجعه‌کننده (کاربر)	۸۵۰,۶۰۸ کاربر	۳,۰۸۲,۹۲۵ کاربر	+۳۶۳٪
صفحات بازدید شده	۲,۴۰۳,۹۲۹ صفحه	۶,۶۹۰,۲۲۵ صفحه	+۲۷۸٪



فروردین لغایت تیر ماه ۱۳۹۸ با مدت مشابه در سال ۱۳۹۷

- علت رشد موجود را نیز می‌توان به سه عامل زیر مرتبط دانست:
- ۱- تغییر نرم افزار: بهبود سرعت بارگذاری صفحات، امکانات جدید نرم افزار و رفع اشکالات دسترسی نرم افزار قبل؛
 - ۲- بروزرسانی سریع تر نشریات با کمک دانشجویان پژوهشگاه و
 - ۳- دسترسی رایگان مخاطبان به مقالات علمی در پرتال با توجه به پولی بودن اکثر بانک‌های اطلاعاتی مشابه.

۲- رتبه‌بندی الکسا و جایگاه پرتال

براساس رتبه‌بندی معتبر الکسا، پرتال جامع علوم انسانی در میان وب سایت‌های پربازدید توسط کاربران ایرانی در جایگاه ۴۳۲ قرار گرفته است، که در میان رده‌بندی بانک‌های اطلاعاتی مشابه جایگاه ویژه‌ای محسوب می‌شود. این آمار در مقایسه با شهریور ماه سال ۱۳۹۷ همزمان با راه‌اندازی نسخه جدید پرتال، با رشد ۵۰۱ پله‌ای برای کاربران ایرانی و رشد ۱۲۵۵۷ پله‌ای برای کاربران از سراسر جهان همراه بوده است.

* این رتبه از میان بازدید کلیه وب سایت‌ها (اعم از موتورهای جستجو نظیر گوگل، سایت‌های خبری، دانشگاهی و ...) توسط کاربران ایرانی استخراج شده است.

۳- راه‌اندازی نسخه تلفن همراه با توجه به آمار مراجعه کاربران

با توجه به افزایش میزان مراجعه کاربران به پرتال جامع علوم انسانی از طریق تلفن‌های همراه هوشمند و تبلت و با استناد به آمار استخراج شده از نرم افزار Google Analytics، رقم ۶۶ درصد با توجه به سیستم عامل کاربران را نشان داده است، نسخه آزمایشی اپلیکیشن اندروید پرتال با هدف سهولت دسترسی این کاربران، تولید و در خرداد ماه سال جاری رونمایی شد.



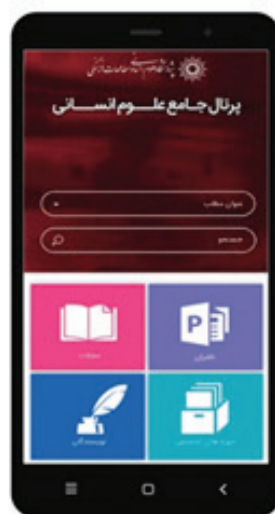
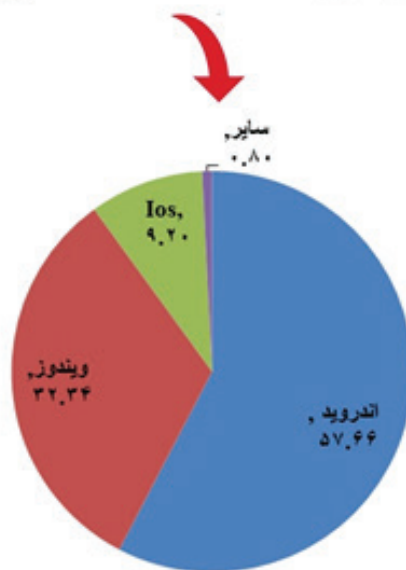
روند تغییرات نرم‌افزاری پرتال از آغاز تا کنون



نسخه قدیم پرتال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶



راه اندازی نسخه جدید پرتال / ۱۳۹۶-۱۳۹۷



راه اندازی نسخه اندروید پرتال - ۱۳۹۸

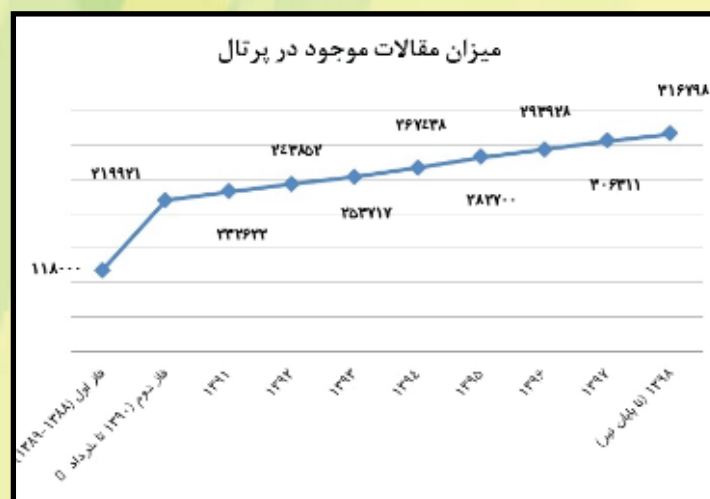
۴- مقالات اضافه شده به پرتال در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۸

در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۰,۴۸۷ مقاله از ۴۴۲ نشریه در قالب ۱,۱۹۲ شماره منتشر شده، در پرتال نمایه شده است که از این تعداد ۱۹ نشریه جدید در پرتال ثبت شده است. با بارگذاری این تعداد مقاله ۵,۵۳۰ پدیدآور (نویسنده) جدید نیز در پرتال صاحب صفحه اختصاصی شده‌اند. بارگذاری این تعداد مقاله نسبت به زمان مشابه در سالیان قبل، با رشد ۱۴۰ درصدی همراه بوده که این امر جز با تغییر نرم افزار و استفاده از نیروی انسانی توانمند میسر نمی‌شد.

ردیف	عنوان	تعداد/میزان
۱	مقالات اضافه شده	۱۰,۴۸۷
۲	نشریات به روز شده	۴۴۲
۳	نشریات جدید	۱۹
۴	شمارگان نمایه شده	۱,۱۹۲
۵	پدیدآورانندگان (نویسندگان) اضافه شده	۵,۵۳۰

۵- آمار کل مقالات پرتال از ابتدا تا کنون

در حال حاضر پرتال ۳۱۶,۷۹۸ مقاله در قالب ۱۳۵۱ نشریه از بیش از ۳۵ هزار شماره منتشرشده را به صورت رایگان با دسته‌بندی موضوعی در اختیار کاربران قرار داده است. این تعداد مقاله از بیش از ۱۴۰ هزار پدیدآور (نویسنده) گردآوری شده که هر یک از آن‌ها در پرتال دارای صفحه‌ای اختصاصی با قابلیت تفکیک براساس نویسنده همکار، سال نشر، درجه علمی، نشریه، زبان و موضوع هستند.



مقالات موجود در پرتال از ۹ زبان زنده دنیا شامل: فارسی: ۳۱۴,۵۵۶ مقاله، انگلیسی: ۱۰,۸۸۸ مقاله، عربی: ۷۳۳ مقاله، فرانسه: ۳۰۱ مقاله، روسی: ۷۵ مقاله، آلمانی: ۲۴ مقاله، ایتالیایی: ۷ مقاله، ترکی: ۱۰ مقاله و اردو: ۴ تشکیل شده‌اند. همچنین این تعداد مقاله با توجه به دسته‌بندی‌های موجود علمی شامل: ۸۹,۹۳۷ مقاله علمی-پژوهشی، ۶,۴۰۳ مقاله علمی-ترویجی، ۳,۲۲۵ مقاله علمی-پژوهشی (دانشگاه آزاد)، ۷,۱۱۱ مقاله علمی-پژوهشی (حوزوی) و ۲,۴۰۵ مقاله علمی-ترویجی (حوزوی) است.



کل داده‌های موجود در پرتال از آغاز تا پایان تیر ماه ۱۳۹۸

ردیف	عنوان	تعداد/ میزان
۱	تعداد کل مقالات	۳۱۶,۷۹۸
۲	تعداد کل نشریات	۱۳۵۱
۳	تعداد کل شمارگان نمایه‌شده	۳۵,۸۰۰
۴	تعداد کل پدیدآورندگان (نویسندگان)	۱۴۵,۸۷۳
۵	تعداد کل حوزه‌های تخصصی	۳,۳۶۳
۶	تنوع مقالات به زبان های مختلف	۹ زبان مختلف: فارسی (۳۱۴۵۵۶)، انگلیسی (۱۰۸۸)، عربی (۷۳۳)، فرانسه (۳۰۱)، روسی (۷۵)، آلمانی (۲۴)، ایتالیایی (۷)، ترکی (۱۰)، اردو (۴)
۷	درجه علمی مقالات	علمی- پژوهشی: ۸۹۹۳۷ علمی- ترویجی: ۶,۴۰۳ علمی- پژوهشی (دانشگاه آزاد): ۳,۲۲۵ علمی- پژوهشی (حوزوی): ۷,۱۱۱ علمی- ترویجی (حوزوی): ۲,۴۰۵

۶- پراکندگی جغرافیایی کاربران پرتال در چهار ماهه نخست سال ۱۳۹۸

در چهار ماه نخست امسال ۳,۰۸۲,۹۲۵ کاربر از ۱۶۵ کشور از پرتال جامع علوم انسانی بازدید کرده‌اند. از این تعداد، محققان موجود در ایران با ۲,۴۹۵,۳۵۶ بازدیدکننده، ۸۱ درصد کل بازدید را به خود اختصاص داده است. پس از ایران، کشور ایالات متحده آمریکا با ۱۰۴ هزار بازدیدکننده و ۳.۴ درصد، افغانستان با ۷۴ هزار بازدیدکننده و ۲.۴ درصد، آلمان با ۵۸ هزار بازدیدکننده و ۱.۹ درصد، هلند با ۵۴ هزار بازدیدکننده و ۱.۸ درصد، بریتانیا با ۴۷ هزار بازدیدکننده و ۱.۵ درصد و فرانسه با ۲۳ هزار بازدیدکننده و ۰.۸ درصد قرار دارند.

آمار مراجعه کاربران از کشورهای مختلف به پرتال فروردین لغایت تیر ماه ۱۳۹۸

نام کشور	میزان بازدیدکننده	درصد بازدید
جمهوری اسلامی ایران	۲,۴۹۵,۳۵۶	۸۰.۹۴
ایالات متحده آمریکا	۱۰۴,۴۴۱	۳.۳۹
افغانستان	۷۴,۳۷۱	۲.۴۱
آلمان	۵۸,۰۰۶	۱.۸۸
هلند	۵۴,۴۶۲	۱.۷۷
بریتانیا	۴۷,۱۱۶	۱.۵۳
فرانسه	۲۳,۵۶۹	۰.۷۶
امارات متحده عربی	۲۱,۷۷۵	۰.۷۱
اوکراین	۱۸,۱۰۷	۰.۵۹
سایر کشورها	۱۸۵,۷۲۲	۶.۰۳

با توجه به تغییرات نرم‌افزاری جدید و بهبود امکانات و تسریع در فرایند بارگذاری و به روزرسانی نشریات، پرتال جامع علوم انسانی آمادگی خود را برای برقراری ارتباط با صاحبان نشریات و مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی جهت ایجاد صفحات اختصاصی برای درج نشریات علمی و پژوهشی و همچنین ارائه نتایج تحقیقات طرح‌های پژوهشی از طریق وبسایت پرتال اعلام می‌دارد.

هویت ملی و تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب

کرد؛ این مفاهیم عبارتند از: استقلال، اراده، ابتکار، نیروی پیش‌برنده، شخصیت ملی، نقشه راه، ایمان به تحصیل مطلوب. وقتی به بیانیه مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که همه این زنجیره مفاهیم تمدنی در بیانیه وجود دارند.



در ادامه این جلسه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسین حسینی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به تبیین ضرورت دستیابی به یک اجماع نظری پیرامون مفهوم تمدن پرداخت. حسینی در ادامه این پرسش را مطرح کرد که نقطه کانونی بیانیه کجاست؟ وی در پاسخ به این سؤال، موضوع علم دینی یا علوم انسانی اسلامی را اصلی‌ترین کانون محتوایی بیانیه گام دانست. حسینی ضمن انتقاد از ساده‌سازی موضوعات علمی، گفت: در موضوع بیانیه گام دوم هم باید از ساده‌سازی بحث اجتناب کرد و راه آن هم این است که جامعه علمی، بحث پیرامون این بیانیه را برعهده بگیرد.

در ادامه این نشست تخصصی، دکتر علی جعفری هُرساتانی، پژوهشگر هسته مکتب امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ضمن اشاره به اینکه متن بیانیه گام دوم می‌تواند نقطه شروعی برای تولید دانش تمدنی مورد نیاز برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی محسوب شود، به بیان ضرورت نگاه متفاوت به انقلاب از منظر فلسفه تاریخی انقلاب اسلامی مبتنی بر معارف اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرداخت. این پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام گفت: ما در نگاه توحیدی خود برای جامعه با یک

نشست «هویت ملی و تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم» به اهتمام هسته مکتب امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز دوشنبه هفدهم تیرماه ۱۳۹۸ به میزبانی پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر موسی نجفی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پس از تبریک ایام دهه کرامت، به بیان نکاتی پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخت. وی ضمن انتقاد از به‌کاربردن غلط اصطلاح «مانیفست» درباره بیانیه گام دوم، گفت: این اصطلاح بیشتر به احزاب کمونیستی و سوسیالیستی مربوط است و به کار بردن آن باعث می‌شود که فضای گفتگو درباره این متن از بین برود. برخورد ما با بیانیه، برخورد آزادی است که عده‌ای اهل تفکر می‌خواهند پیرامون صحبت‌های یک نظریه‌پرداز و فردی که در حال تبیین یک فلسفه سیاسی است گفتگو کنند، نه برخورد طرفداران یک حزب نسبت به رهبر آن حزب. این‌که ما با بیانیه گام دوم کاملاً آزادانه، مبتکرانه و خلاقانه برخورد کنیم، خود یک گام تمدنی است».

دکتر موسی نجفی چهار موضوع «تمدن گذشته اسلامی»، «تمدن گذشته شیعی ایرانیان در دوران صفویه»، «تمدن غرب» و «تمدن آینده اسلامی» را موضوعات مهمی دانست که باید ضمن بحث درباره تمدن نوین اسلامی، مورد توجه واقع شوند. وی مقدمه پرداختن به موضوع گام دوم انقلاب اسلامی را بحث درباره چیستی گام نخست انقلاب دانسته و گفت: «گام نخست انقلاب، جمع‌بندی افتخارآمیز گذشته و گام دوم آن هم نگاه امیدوارانه به آینده است. این درست در مقابل خط تبلیغاتی دنیای استکبار و همچنین عده‌ای در داخل است که به دنبال ضعیف نشان دادن حرکت نظام در چهل سال گذشته و ایجاد یأس نسبت به آینده هستند.

این استاد برجسته دانشگاه در تبیین وضعیت تمدنی انقلاب اسلامی ایران گفت: معمولاً بعد از انقلاب‌های جوان، تمدن‌های جدید ساخته می‌شوند. در صفویه هم صدسال اول، دوره تأسیس و تثبیت بود و در زمان شاه عباس تمدن صفویه ساخته شد. در انقلاب اسلامی هم، دوره امام، دوره تأسیس و تثبیت و دوره رهبری، دوره تثبیت و شکل‌گیری طلیعه‌های تمدن نوین است. اکنون افق تمدنی ما به نحوی است که می‌تواند تمدن پیر و ناتوان غرب را به چالش بکشد.

نجفی روح بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را روح امید دانست و افزود: وقتی از امید صحبت می‌شود باید به مجموعه‌ای از مفاهیم پیرامون تمدن نوین اسلامی توجه



تقریر خاص، اصالت و واقعیت قائل هستیم. اتحاد انسان‌ها در افق باور و ایمان مشترک باعث شکل‌گیری وحدت حقیقی توحیدی و تحقق جامعه حقیقی می‌شود که در ادبیات دینی از آن تعبیر به «امت» شده است که جنبه فرازمانی و فرامکانی پیدا می‌کند. با این تقریر جامعه دارای حیات حقیقی، شعور و آگاهی است و با هر مرحله ارتقای خودآگاهی اجتماعی، جامعه وارد



مرحله متکامل‌تری از حیات خویش می‌شود. در انقلاب اسلامی و در اولین مرحله تحقق این هویت و روح جمعی به واسطه یقظه و بیداری که امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در جامعه ایجاد کرد، مردم به خودآگاهی جمعی رسیده و با یکدیگر متحد شدند و این بیداری و خودآگاهی ناشی از توجه به روح جمعی، نقطه شکل‌گیری اولین مرتبه حیات طیبه و تحقق گام نخست انقلاب اسلامی بوده است که به بیان رهبر معظم انقلاب عصر نوینی بر پایه معنویت در جهان شکل گرفت که می‌توان آن را عصر امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) نامید. با توجه به این نکته که طبق فلسفه تاریخ ما، احکام فرد قابل تسری به جامعه است، متوجه می‌شویم که جامعه نیز همچون فرد انسانی، در بلوغ چهل‌سالگی برای الغای عقلانیتی که پشتوانه‌اش تجربه چهل‌ساله انقلاب است، آمادگی پیدا کرده است. بدین ترتیب با ارائه این آگاهی جمعی جدید از سوی امام جامعه به امت، یک حیات واقعی جدید برای انقلاب اسلامی به وجود می‌آید. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با ارائه تجربه آزموده شده انقلاب اسلامی و عقلانیت مدون انقلاب به دنبال ارتقاء سطح آگاهی جمعی در انقلاب اسلامی و تحقق مرتبه عالی‌تری از حیات طیبیه اجتماعی است و این مرتبه از حیات انقلاب اسلامی مقدمه تحقق تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آید.

در ادامه این جلسه، دکتر مجتبی باباخانی، پژوهشگر

هسته مکتب امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به ارائه بحث خود با عنوان «بررسی دستگاه محاسباتی و تحلیلی رهبر معظم انقلاب در تشریح جایگاه کنونی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم» پرداخت. باباخانی با بیان این که تمدن نوین اسلامی چشم‌اندازی است که در بیانیه گام دوم برای انقلاب اسلامی ترسیم می‌شود، گفت: یکی از ملزومات تحقق تمدن نوین اسلامی، فهم صحیح جایگاه انقلاب اسلامی در معادلات کنونی جهان، مسیر طی شده توسط انقلاب و افق پیش روی آن است و بخش مهمی از بیانیه هم تلاش می‌کند همین جایگاه را به صورت صحیح ترسیم کند. از طرف دیگر دشمن تلاش می‌کند که تصویر انقلاب اسلامی را در افکار عمومی جهان مخدوش کند. رهبر معظم انقلاب از این راهبرد دشمن با عنوان برهم زدن دستگاه محاسباتی مردم و مسئولین یاد می‌کنند. باباخانی بیان امیدوارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را پادزهری در مقابل این حمله دشمن دانست و افزود: در تبیین این امیدآفرینی حداقل می‌توان به طرح دو نکته پرداخت؛ یکی اینکه این امیدآفرینی لازمه جایگاه رهبری انقلاب اسلامی است، اما این تحلیل، تحلیل کاملی نیست. تبیین مکمل دیگر این است که دستگاه تحلیلی رهبر معظم انقلاب به گونه‌ای است که این نگاه امیدوارانه از آن حاصل می‌شود. بر این اساس، از دیدگاه امام راحل و رهبر معظم انقلاب، مشکلات و ناملیماتی که در اثر توطئه‌های دشمنان بر ملت ایران تحمیل می‌شود، چنانچه موجب نهاده شدن یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی شود، قابل پذیرش خواهد بود، چرا که موجبات حرکت سریع انقلاب اسلامی به سوی اهداف و آرمان‌هایش را در آینده فراهم خواهد کرد.

دکتر بتول یوسفی، پژوهشگر حوزه اندیشه سیاسی هم در این نشست در توضیح نظرات خود پیرامون بیانیه گام دوم گفت: یکی از مسائلی که فرجام و سرانجام انقلاب‌ها را مشخص می‌کند و ممکن است آنها را با مخاطراتی مواجه کند، تفسیرها و تبیین‌ها از اهداف و آرمان‌های هر انقلابی است؛ بنابراین با توجه به این مسائل اگر بخواهیم مهم‌ترین رسالت رهبران انقلاب را بیان کنیم، باید به مسئله حراست از هویت و چیستی انقلاب اشاره کنیم. وی با بیان اینکه تجربه انقلاب‌های قرن بیستم نشان داد که تفسیرهای مختلف از چیستی و هویت هر انقلابی می‌تواند منجر به آشفتگی و درگیری شود، اظهار کرد: معمولاً قبل از هر انقلابی توافق و یکدستی در بین انقلابیون به دلیل داشتن هدف مشترک بیشتر است، اما وقتی وحدت هویتی وجود نداشته باشد، بعد از انقلاب، شاهد تصفیه‌های خونین انقلابیون توسط هم‌زمان هستیم. یوسفی با اشاره به این مسئله که رهبری در گام دوم انقلاب، هویت انقلاب و بحث خودسازی را در کانون توجه خود قرار داده‌اند، تصریح

کرد: مفاهیمی مثل هویت، مفاهیمی کیفی هستند که تعاریف مختلفی از آن‌ها وجود دارد. تلاش‌هایی مثل گام دوم و تلاش‌های دیگری از این جنس در این جهت است که رهبری هویت انقلاب را به جامعه ارائه کنند و مانع از تفسیرهای ناروا از هویت انقلاب توسط برخی جریان‌ها شوند.

حجت الاسلام داود مهدوی‌زادگان، در این نشست ابتدا با طرح این سؤال که «چه لزومی برای صدور این بیانیه در چهل سالگی انقلاب وجود داشت؟»، گفت: این بیانیه متناسب با مقتضیات روز نوشته شده است و برآمده از اراده یک شخص نیست. وی افزود: بیانیه مرتبط با شرایط امروز کشور است. درواقع ما در شرایطی به سر می‌بریم که انتظار نوشته شدن این بیانیه وجود داشت و رهبری با درک این ضرورت اقدام به صدور بیانیه گام دوم انقلاب کردند. دکتر مهدوی‌زادگان سپس با تشریح شرایط بستری که انقلاب اسلامی در آن به وقوع پیوست، اظهار کرد: انقلاب اسلامی با یک پشتوانه عظیم فکری و فرهنگی وارد صحنه‌ای شد که آن صحنه در اختیار سکولارها و جریان‌هایی بود که سیاست و دین را از هم جدا می‌دانستند و این اندیشه حتی در ذهن مذهبی‌ها هم رسوخ کرده بود. در چنین شرایطی انقلاب اسلامی به عنوان انقلاب معنوی پیروز شد و نظام سیاسی جدیدی مبتنی بر اهداف خود ایجاد کرد. وی با اشاره به اینکه

این نظام با همه نظام‌های موجود متفاوت بود، گفت: این تفاوت باعث شد نظام‌های موجود علیه نظام جمهوری اسلامی موضع بگیرند و دشمنی‌ها را در بسترهای مختلف علیه این نظام شروع کنند تا بتوانند جمهوری اسلامی را تضعیف کنند. با همه این ترندها و دشمنی‌ها امروز به جایی رسیده‌اند که دیگر حرف و حيله‌ای برای تضعیف نظام ندارند و جمهوری اسلامی خود را تثبیت کرده است؛ بنابراین، این شرایط بهترین زمان برای برداشتن گام دوم انقلاب است و صدور بیانیه گام دوم هم برای تحقق این هدف اتفاق افتاده است.

در ادامه این نشست تخصصی، دکتر سیدرضا حسینی، عضو هیأت علمی پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن اشاره به این موضوع که جوانان اصلی‌ترین مخاطبان بیانیه گام دوم هستند، مراجعه به تاریخ را یک عامل ضروری برای تقویت تجربیات جوانان دانست. این استاد دانشگاه در توضیح ضرورت فهم تاریخ گفت: مراجعه به هویت تاریخی ما می‌تواند نگاه امیدوارانه را تقویت کند. حسینی در ادامه بحث خود به بررسی دلایل امیدآفرین بودن مراجعه به پیشینه تاریخی انقلاب اسلامی پرداخت.



سومین جلسه شورای سیاستگذاری کنگره بین‌المللی «امام علی (ع) پژوهی»

دانشگاه‌های علی‌گری هند، سلطان قابوس عمان، نجف، کوفه، بغداد، لاهور، باکو، کربلا، بابل بوده‌اند. از این تعداد، ۵۰ درصد دارای مدرک دکتری، ۱۰ درصد تحصیلات حوزوی و ۴۰ درصد کارشناسی ارشد و در ضمن ۷۰ درصد مشارکت‌کنندگان مرد و ۳۰ درصد زن بوده‌اند.

علم‌الهدی مشارکت‌کنندگان در برگزاری این کنگره را نیز معرفی کرد که عبارتند از: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی (ع)، دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، دانشگاه مفید، معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مسجد الکوفه المعظم، عتبه العلویه المقدسه، جامعه الکوفه، بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، دانشگاه فرهنگیان، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مؤسسه فرهنگی اکو، کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی (ع)، پایگاه داده‌های سیویلیکا، مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت متبوع، حوزه حضرت خدیجه (س)، دانشگاه علی‌گری هند.

در ادامه حاضرین به بحث پیرامون زمان برگزاری کنگره پرداختند و زمان برگزاری را با توجه به شعار این دوره کنگره «فرهنگ صلح در اندیشه و سیره امام علی علیه السلام: بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی، چالش امروز و طرحی برای فردا» با اتفاق آراء در نیمه دوم آبان‌ماه، مصادف با ایام هفته وحدت سال جاری، تعیین و مهلت ارسال آثار را نیز تا ۳۱ شهریور ماه تمدید کردند.

سومین جلسه شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی روز دوشنبه، ۱۷ تیر ۱۳۹۸ با میزبانی مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این جلسه اعضای شورای کنگره (دکتر مهدی گلشنی، دکتر محمد رضا ملایی، دکتر کریمی، دکتر مصطفی دلشاد تهرانی، دکتر سید محمد مهدی جعفری، دکتر ناصر الهی، دکتر رمضانعلی شیرزاد، دکتر مهدی رضانی، دکتر حمید عبدالمحمیدی، دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، دکتر حسن برزگر و محمدعلی معتضدیان) به بحث پیرامون دستور جلسه پرداختند. در ابتدای نشست دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی و دبیر علمی کنگره، با اشاره به وضعیت آثار دریافت شده توسط دبیرخانه کنگره و با توجه به زمان دو هفته‌ای باقی‌مانده تا پایان مهلت ارسال آثار، درباره این آمار گفت: تعداد آثار دریافت شده تا کنون ۱۰۱ مقاله داخلی و خارجی است که ۸۴ اثر داخلی از شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، اهواز، مشهد، یزد، مازندران، قم، اردبیل، سبزوار، کردستان، چهارمحال بختیاری، قزوین، کرمان، شیراز، مراغه و ۱۷ مقاله خارجی از کشورهای الجزایر، هندوستان، عراق، آذربایجان، عمان، افغانستان، پاکستان بوده است. اعضای هیأت علمی ارسال‌کننده مقالات داخلی از دانشگاه‌های شهید چمران اهواز، محقق اردبیلی، تربیت معلم سبزوار، بین‌المللی قزوین، فردوسی مشهد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، باهنر کرمان، فرهنگیان شیراز، دانشکده افسری امام علی (ع) و اعضای هیأت علمی خارجی ارسال‌کننده مقاله از



تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌شناختی «کتاب» و «هدیه» و تاثیر آن در توسعه فرهنگی جامعه

فرهنگی پیوند ارگانیک و کارکردی پیدا کند؟، تاریخ فرهنگی کتاب، همراه با هر کتابی ضمیمه شده است. ما، شکلی از مبادله داریم که مبادله یا اقتصاد هدیه‌ای است. این سازوکار اجتماعی تضمین جبران هدیه، در واقع، نوعی ساختار ایجاد می‌نماید که زندگی بشر را حمایت می‌کند. به نظر می‌رسد، ترویج ایده کتاب همچون هدیه، می‌تواند راهبردی برای پیوند زدن نماد هدیه یا توسعه فرهنگی باشد. فاضلی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: هدیه

پژوهشکده مطالعات اجتماعی با همکاری معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست «تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌شناختی «کتاب» و «هدیه» و تاثیر آن در توسعه فرهنگی جامعه» را با سخنرانی دکتر نعمت‌الله فاضلی روز یکشنبه مورخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸، برگزار کرد. این نشست، حول دو محور اصلی: «فهم کتاب در ایران امروز و مسئله آن»، و «هدیه به مثابه پدیده اجتماعی تام در کلیت جامعه» انجام شد.



تیر و مرداد ۱۳۹۸

کتاب، از نظر من، یک مفهوم است. و «نه» یک عمل دم دست، که کسی، چیزی را به کسی بدهد یا ندهد. محورهای پرشماری در مورد «کتاب - هدیه» است که باید در جامعه ما بحث و بررسی شود، که چطور «کتاب» می‌تواند یکی از ارکان آرمانشهر هدیه باشد. آرمانشهری که در آن انسان‌ها، انسجام بیشتری دارند. او در این راستا، خاطرنشان کرد، کسانی که دل در گرو توسعه فرهنگی ایران دارند، این ایده را دنبال کنند. در ادامه، برای اینکه دستور کاری برای علاقمندان باشد، به صورت فهرست‌وار، مواردی به شرح ذیل بیان شد: ۱- دانشگاه، محققان، پژوهشگران و متخصصان جامعه و تاریخ و سیاست، به طور جدی به این مسئله بیندیشند. اندیشیدن به معنای فهم پیوندهای ساختاری و وجودی کتاب به مثابه هدیه است. در این راستا، نخستین دستور کار، دعوت به بازاندیشی و تحمل

در این نشست، فاضلی یادآور شد: «هدیه»، از یک سو به دلایل گوناگون از جمله گسترش پیوندهای دوستی، اهمیت چشمگیری در زندگی اجتماعی دارد و از سوی دیگر، با مصرفی شدن هدیه، نهاد اجتماعی هدیه پیش از اینکه در خدمت توسعه فرهنگی قرار گیرد، در خدمت ارزش‌های بازاری است.

فاضلی ادامه داد: «کتاب»، هم در تاریخ بشر و هم در جامعه ایران، به نوعی ساختار ساخت‌دهنده تمدن بوده است. مقوله «کتاب» به مثابه رسانه تاریخ و فرهنگ، همواره تمدن‌ساز بوده و هست. این فقط محتوای کتاب نیست که می‌تواند در تفکر سیستماتیک، توسعه دقت، مشارکت ذهن خلاق و تحولات اپیستمولوژیک کمک کند، بلکه «کتاب»، تاریخی دارد که ما، او را به مثابه «تشابه»، در تاریخ بر ساخت کردیم. پرسش این است که «چگونه می‌توان کمک کرد تا هدیه با توسعه



انتقادی در مورد رویکرد موجود است. رویکردی که کتاب و هدیه را به امر ذوقی و شاعرانه، تقلیل داده است. این تقلیل‌گرایی، گرچه می‌تواند فرصتی ایجاد کند که احیاناً ادراک حسی لحظه‌ای به وجود آورد ولی نمی‌تواند برای سیاست کتاب، برای سیاست فرهنگ و سیاست فرهنگ در جامعه ما، افق‌گشایی نماید. این مهم، خود نیازمند نوعی تفلسف تئوریک درباره منشأ هدیه و کتاب است. از سوی دیگر، ما می‌توانیم در آرمانشهر هدیه، کتاب را به مثابه رسانه‌ای فرض کنیم که می‌تواند ارزش‌های وجودی را از راهبردهای گوناگون فلسفی تحقق بخشد.

۲- به اعتقاد من، همانطور که مارسل موریس می‌گوید، هدیه ماهیتاً امری آیینی است. گرچه ظاهراً فردی است ولی هیچ هدیه‌ای به صورت فردی به کسی اعطا نمی‌شود. معمولاً هدیه را به مناسبت جشن تولد، عروسی، برای کمک‌رسانی به خیریه، برای انجام برخی مراسم مذهبی و نذر، و بخشی از آیین‌های سیاسی، مورد استفاده قرار می‌دهیم. در واقع، هدیه، در درون خانواده، مذهب، سیاست، تاریخ، زبان، هنر و جامعه است که مبادله می‌شود... نه درون مناسبات. انتخاب‌های کاملاً فردی، تنها می‌تواند نوع هدیه را تا حدودی انتخاب نماید. ولی نمی‌تواند معنای هدیه را شکل دهد.

۳- از جمله راهبردهای بنیادی که می‌تواند کتاب را در بین ما گسترش دهد، ادغام کتاب با آیین‌هاست؛ یعنی

ادغام مجدد کتاب در تمام وجوه زندگی. باید در این راستا تلاش شود. آیین‌های زندگی، آیین‌های گذار، مناسک گذار (آنجا که بلوغ، یا تولد یا ازدواج) و آیین‌های ملی، باستانی، سیاسی و آیین‌های زندگی روزمره، همه می‌توانند کتاب را در خودشان جای دهند. البته، کارهای زیادی صورت گرفته ولی در هر صورت، این تجربه‌ها نتوانسته‌اند برای ما سرمشق همگانی و فراگیری شوند که آیین و کتاب، با هم ادغام شوند. ۴- عدم آیین‌زدایی از کتاب. از جمله مسیرهایی که در سال‌های اخیر به آیین‌زدایی از کتاب انجامید، خطایی بود که صنعت نشر مرتکب شد. صنعت نشر، با ارائه تصویری کاملاً آمارگونه و اقتصادی از کتاب، عملاً به خود آسیب زده است. کتاب فروش‌ها، ناشران و ... به شکل‌های مختلف در آیین‌زدایی از کتاب، نقش داشتند. این صنعت می‌توانست، نه تنها به منظور تأمین هدف‌های اقتصادی - که البته آن هم مهم است - بلکه به معنای ادغام کتاب در فرهنگ و ادغام خودشان در فرهنگ، بخشی از سرمایه‌گذاری‌اش را صرف افزایش مصرف کتاب، به مثابه آیین نماید. کتاب، باید بتواند فرهنگ اقتصاد باشد، و «نه» اقتصاد فرهنگ. باید ارزش جایگاه و آیینی بودن کتاب، بر ارزش‌های اقتصادی‌اش، سیطره پیدا کند.

انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی؛

دکتر عبدا... قنبرلو را به سمت معاون اداری، مالی و مدیریت منابع،

دکتر روح ا... کریمی را به سمت سرپرست مدیریت تحصیلات تکمیلی،

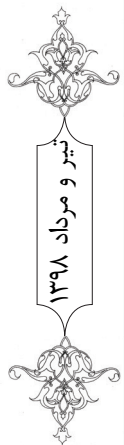
دکتر سیده مریم عاملی رضایی را به سمت سرپرست مدیریت پژوهشی،

دکتر سید سجاد علم‌الهدی را به‌عنوان دبیر علمی سومین کنگره بین‌المللی

امام‌علی(ع) پژوهی

و محمدعلی معتضدیان را به‌عنوان دبیر اجرایی سومین کنگره بین‌المللی

امام‌علی(ع) پژوهی منصوب کرد.



«رایا سپهر» امکان شناسایی و شناخت زبان فارسی را به همه جهانیان عرضه می‌کند

نشان می‌دهد از چه زمانی ایرانی‌ها به زبان توجه داشتند. ایرانیان آگاهانه به زبان توجه داشتند و از آن زمان ایرانی‌ها برنامه‌ریزی زبانی داشتند.

عاصی در ادامه به نقش محوری زبان در تکوین فرهنگ اشاره کرد و گفت: هر فرهنگی وابسته به زبان خاصی است، آنچه فرهنگ مشترک را منتقل می‌کند یک زبان مشترک است. اگر زبان فارسی را بی‌تعصب نگاه کنیم یکی از غنی‌ترین، پرمحتواترین و عظیم‌ترین مجموعه‌های ادبیات جهان را در زبان فارسی داریم. تمام مردم و ادبای بزرگ در این مجموعه قرار دارند و زبان فارسی نقش محوری در پیوند زدن قومیت‌های گوناگونی که در این سرزمین با لهجه‌ها و گویش‌های متعدد زندگی می‌کنند، دارد. مثال بارز آن سکانس بسیار زیبای فیلم سینمایی «باشو، غریبه کوچک» است که به زیبایی نشان می‌دهد، چگونه زبان فارسی می‌تواند زبان فهم ایرانی بودن و هویت ایرانی باشد که تمام اقوام گوناگون با زبان‌ها و لهجه‌های مختلف را حول محور ایران متمرکز کند.

استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه در خاتمه پیرامون جایگاه زبان فارسی در رایا سپهر (فضای مجازی) گفت: رایا سپهر جهانی است که اندیشه هر کس، هر فکر و هر ایده‌ای در آن گسترش پیدا می‌کند. رایا سپهر جایگاهی است برای جهانی شدن. هر کسی فارسی را یاد بگیرد عاشق آن می‌شود و بلافاصله به گنج عظیم دست پیدا می‌کند. رایا سپهر می‌تواند امکان شناسایی و شناخت زبان فارسی را به همه جهانیان عرضه کند. جلسه با پرسش و پاسخ حضار و ابراز نظرهای آنها خاتمه یافت.

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی در ادامه نشست‌های «ایده ایران» از سلسله نشست‌های «مسئله ایران» سخنرانی «ایده ایران؛ زبان فارسی و هویت ایرانی» را با حضور دکتر سیدمصطفی عاصی، استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز ۱۱ خرداد ۱۳۹۸ با شرکت استادان، محققان، و علاقه‌مندان این حوزه برگزار کرد.

ابتدا دکتر نیره دلیر، دبیر نشست، به مختصری از فعالیت‌ها و آثار دکتر عاصی در حوزه زبان‌شناسی اشاره کرد و گفت: وی پیشگام زبان‌شناسی رایانشی و پیکره‌ای در ایران و مؤسس پایگاه داده‌های زبان فارسی است.

در ادامه دکتر عاصی سخنانش را با طرح کتاب نیولی The Idea of Iran که در ایران به «آرمان ایران» ترجمه شده است آغاز، و آن را پیش‌زمینه طرح بحث ایده ایران معرفی کرد. از لحاظ تاریخی واژه ایران در دوره ساسانیان به کار رفته است. ساسانیان تمایل شدید نسبت به ایجاد فرهنگ ملی و پایه‌گذاری یک، دولت ملی داشتند. این پرسش مطرح است که واقعاً ایران از چه زمانی به‌عنوان یک کشور مطرح شد؟ سندهای معتبری که نیولی مطرح می‌کند نشان می‌دهد به زعم وی از دوره ساسانیان چنین ایده‌ای پدیدار شده است. بنابراین اگر ایران را از زمان ساسانیان به‌عنوان یک مفهوم کشور یا دولت در نظر بگیریم از همان اوان هویت ایرانی هم شروع به شکل گرفتن می‌کند. ایرانیان آن زمان دانش زبانی خوبی نسبت به دوره خود و کشورهای دیگر داشتند، به کارکرد زبان کاملاً واقف بودند و متوجه بودند که باید خط دقیق داشته باشند (خط اوستایی). این موضوع در زمان خود بی‌نظیر بوده است و هنوز هم

یکی از دقیق‌ترین خط‌های موجود جهان خط اوستایی است. وقتی اوستا را مدون می‌کردند این نکته را متوجه بودند که این متن برای همه قابل فهم نیست، از این‌رو فرهنگ‌هایی برای فهم آن تدوین کردند. یکی از این فرهنگ‌ها فرهنگ اویم است، که فرهنگ دوزبانه اوستایی به پهلوی است. فکر تدوین فرهنگ در آن دوره فکر پیشروانه‌ای محسوب می‌شود. قدمتش



به ستوه آوردن روانی؛ جلوه‌ای از خشونت خانگی

چند دلیل عمده نتوانست از عهده پاسخگویی اثربخش و کارآمد در این حوزه برآید، از جمله این دلایل عبارتند از: پاسخ مشابه به تمام موقعیت‌ها و وضعیت‌های خشونت خانگی، عدم تمایل تمام بزه‌دیدگان خشونت خانگی به مداخله کیفری، حفظ امنیت بزه‌دیده به خاطر پویایی رابطه، ممکن نبودن تغییر و اصلاح فوری



به واسطه مداخله کیفری در تناوب و پیوستاری از الگوهای رفتاری، احساس محدودیت از سوی بزه‌دیده در بیان آنچه وی می‌تواند در امنیت کامل بازگو کند، ناامید شدن بزه‌دیده از تلاش برای تأمین مطالبات و نیازهایش، موافقت با توافقی که می‌داند وی و یا کودکش را به خطر می‌اندازد و احتمال انتقام از سوی مرتکب».

میرمجیدی سخنان خود را با تأکید بر جایگزینی عدالت ترمیمی (به عنوان یکی دیگر از سازوکارها و راهبردهای عدالت) به جای عدالت کیفری و ضرورت توسل به مداخله کیفری تنها به عنوان آخرین حربه در پرونده خشونت خانگی به پایان رساند.

در ادامه نشست دکتر کردعلیوند، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، در آغاز سخنان خود گفت: خشونت خانگی می‌تواند بین زوجین، پدران و فرزندان و هر یک از اعضای دیگر خانواده در نسبت با دیگری هم انجام شود. چه بسا یک زوج زیرسقف نباشند و از هم طلاق گرفته باشند اما مرتکب یا قربانی خشونت باشند. چیزی که در این بین مهم است این است که این مورد می‌تواند شامل خشونت کاری، خانگی و جنسی باشد. این واژه تأکید بر ستوه می‌کند نه آزار. چرا که آزار بیشتر ناظر به آزار جنسی است. اشاره به این کلمه و واژه برای این است که معنای به انزجار رساندن، از پا در آوردن و بیچاره شدن به خوبی منتقل شود. واژه معادل این اصطلاح در انگلیسی، واژه

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی نشست «به ستوه آوردن روانی جلوه‌ای از خشونت خانگی» را در تاریخ یکشنبه، ۲۶ خردادماه ۱۳۹۸ با حضور دکتر روح الدین کرد علیوند (عضو هیأت علمی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر مهرنوش هدایتی (رئیس پژوهشکده اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر حسین ناظریان (بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب) و دکتر سپیده میرمجیدی (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر میرمجیدی بحث خود را با تعریف خشونت خانگی و به ستوه آوردن روانی زنان آغاز کرد و گفت: خشونت خانگی به هر رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده اشاره دارد. دو نوع معمول خشونت در خانواده، خشونت مرد علیه همسر و فرزند خود است. به ستوه آوردن روانی زنان مجموعه‌ای از رفتارهایی عمادانه، تکراری و آزاردهنده است که از نظر روانی، محیطی دشوار، تحقیرآمیز و خصمانه را برای فرد قربانی ایجاد می‌کند.

وی با اشاره به خلأهای موجود در گفتمان تقنینی، تأکید کرد: قانون خاصی برای مقابله با خشونت خانگی علیه زنان در بسیاری از کشورهای آسیایی و حتی اسلامی هم به تصویب رسیده است، در ایران هنوز قانونی برای پیشگیری از خشونت خانگی و حمایت از زنان خشونت‌دیده وجود ندارد. در نتیجه وقتی خشونت خانگی به عنوان یک رفتار مجرمانه در نظام حقوقی به رسمیت شناخته نشود، خشونت فیزیکی‌اش همانند یک ضرب و جرح ساده، توهین، افترا و در مواردی که به مرگ قربانی منجر شود، قتل تلقی می‌شود، خشونت روانی‌اش که محل بحث اصلی امروز هم است، در کل خشونت و جرم تلقی نمی‌شود و بسیار انتزاعی با آن برخورد می‌شود».

دکتر میرمجیدی در ادامه با تأکید بر این مطلب که پذیرش فرهنگی شکل‌هایی از خشونت خانگی از جمله خشونت فیزیکی و جنسی، از عواملی است که نرخ خشونت خانگی را در نظام حقوقی ایران افزایش داده است، بحث را پیرامون ضرورت جرم‌انگاری مستقل خشونت خانگی با توجه به آمار بالای آن ادامه دادند. وی سپس با اشاره به تجربه سیاست‌های مختلف کشورهای دیگر در خصوص نادیده انگاشتن خشونت خانگی و مداخله کیفری در دادگاه‌های ویژه خشونت خانگی و بعد مداخلات درمانی، گفت: مداخله کیفری به

harassment است.

دکتر کردعلیوند افزود: «پدیده به ستوه آمدن اولین بار در محیط‌های کاری مورد توجه قرار گرفت. در محیط‌های کاری به خاطر رابطه سلطه و قدرت ممکن است که فرد بالادست از فرودست سوء استفاده کند و برای رسیدن به هدف خود امتیازی جنسی یا کاری را طلب کند. فرصت سلطه این موقعیت را تحت اختیار شخص فرادست قرار می‌دهد که با کارهایی مثل مرخصی ندادن، تذکرات متعدد، سخت‌گیری و ... که

سال ۲۰۱۱ در استانبول به‌عنوان نخستین کنوانسیون خاص درباره خشونت خانگی برگزار شد، به سه راهکار پیشگیری، حمایت و سرکوب اشاره شد. در تبصره آمده است که هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که قابل تحمل نباشد نیز مصداق عسر و حرج است. به ستوه آوردن مورد می‌تواند مصداق این تبصره باشد. این ماده درباره به وجود آوردن وضعیتی است که زندگی را برای زوجه مشقت‌آور کرده است و نیز در تبصره قانون اشاره شده است به اینکه هر جا خوف مالی، جانی و



شرافتی مطرح باشد باید راهکار جداسازی را دنبال کرد. همچنین در قانون ذکر شده که مصداق عسر و حرج به طور کلی احصاء نشده است و قاضی می‌تواند به صلاحدید مواردی را به آن اضافه کند. برای مثال، یک قاضی گذاشتن دوربین در خانه را مصداق عسر و حرج دانسته بود. همه این موارد می‌توانند راهکاری برای جرم‌انگاری رفتار به ستوه آوردن منجر شود.

کردعلیوند افزود: پیشنهاد این است که قانون عسر و حرج را برای پوشش معضل به‌ستوه‌آوری بازبینی کنیم. دومین پیشنهاد من در اصلاح قانون حمایتی خانواده این است که راهکار طلاق در موارد عسر و حرج راه کار درستی نیست. باید راهکار درمانی در این زمینه ارائه بدهیم. در این زمینه جرم‌انگاری لازم است اما یک راه حل نهایی و اثربخش نیست. کارکرد جرم‌نگاری در این زمینه باید فقط کارکردی اعلامی و اطلاعی باشد که همگان بدانند این رفتار هزینه‌بر است. از طرف دیگر این راهکار، راهکار پردردسری است چرا که اثبات این رفتارها سخت است.

در ادامه نشست، دکتر هدایتی، رئیس پژوهشکده اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به درماندگی آموخته شده در به ستوه آوردن روانی گفت: درماندگی ابتدا از درون خانواده و با انتقال بین نسلی اتفاق می‌افتد و سپس در مدرسه، محیط کار، اجتماع و با عدم حمایت شغلی تداوم می‌یابد. درماندگی آموخته شده که سلیگمن مطرح می‌کند

معمولاً تا یک سال ادامه دارد شخص را از پا در می‌آورد. در نهایت هم فرد با اختیار خود متقاضی انتقال یا ترک موقعیت شغلی می‌شود. از این رو این نکته ابتدا در حقوق انضباطی، حقوق کار و بعد حقوق کیفری مورد توجه قرار گرفت.

وی در بیان ویژگی‌های به ستوه آوردن گفت: اول اینکه، این رفتار به ستوه آورنده می‌تواند ناشی از رفتار، گفتار و حتی سکوت باشد. دوم اینکه، این رفتارها و گفتارها تکرار می‌شوند. سوم اینکه، به ستوه آوردن فضایی را ایجاد می‌کند که محیط خانواده تبدیل به یک فضای پر از اضطراب می‌شود. در عین حال این رفتارها موجب آثار روانی و جسمی می‌شود. ما در حوزه روابط زناشویی به مثال‌های فراوانی بر می‌خوریم که به‌طور مثال، هنگام طلاق از سوی مرد یا تأدیب مرد از سوی زن و یا در هنگامی که مرد شکاک است، این اتفاق و فشار رخ می‌دهد.

کردعلیوند در ذکر آثار رفتارهای به ستوه آورنده گفت: آثار این رفتارها نخست بر خود فرد و آزارهای وارده بر جسم و روان اوست. این رفتارها آثار اجتماعی و اقتصادی نیز می‌گذارند. برای مثال، در آثار روانی، فرد به‌طور دائم دچار اضطراب می‌شود، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و ترس همیشه همراه اوست و گاهی دست به خودکشی می‌زند. در آثار اجتماعی نیز فرد دچار انزوا می‌شود. پرسش مهم در قبال چنین وضعیتی این است که ما چه باید بکنیم؟ در کنوانسیون‌هایی که در



یعنی به طور مکرر در معرض موقعیتی قرار بگیریم که تصور کنیم هیچ راهی برای خروج یا اصلاح آن وجود ندارد. به عبارتی کوشش‌ها برای حل مسئله یا پیامدها مناسب نیست. نکتهٔ کلیدی در درماندگی آموخته شده، ادراک است و نه حقیقت.

هدایتی همچنین به بحث تمایزنیافتگی یا درهم آمیختگی اشاره کرد و گفت: «در نظام و فرهنگ ما که خانواده در حال هسته‌ای شدن است، هنوز نظام گسترده داریم. به طوری که زن و شوهر در نتیجهٔ عدم توانایی در حل مسائل خود شروع به مثلث‌سازی می‌کنند، یعنی با شغل، ورزش، شریک جدید و فرزندان ائتلاف عاطفی می‌کنند و دیگری را تنها گذاشته و در نتیجه به لحاظ عاطفی کاملاً درمانده می‌شوند. بدین ترتیب ویژگی‌های فردی که دچار استیصال شده شامل کاهش خلاقیت در حل مسئله است (تکرار این جمله که کاری نمی‌شود انجام داد). در این فرد باید گسترهٔ خلق راه حل را از طریق قدرتمندسازی، افزایش آگاهی و بلوغ، افزایش داد.

سخنران پایانی نشست دکتر ناظریان، بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب با اشاره به نظریات این حوزه، گفت: ویژگی‌هایی که در خشونت علیه زنان وجود دارد را طی چند مورد بررسی می‌کنیم؛ ویژگی اول: پاره‌ای از خشونت‌ها بازتاب نگرش‌های جامعه نسبت به زنان است به عبارتی نگاه مردسالارانه در جامعهٔ ما وجود دارد. این امر بیشتر تحت تأثیر تقابل نقش‌های بین زنان و مردان است. ویژگی دوم، تفاوت دنیای زنان و مردان است. ویژگی بعدی آمار سیاه در این زمینه زیاد است. به طور کلی در خصوص جایگاه زنان و خشونت علیه زنان دو دیدگاه اساسی مطرح است: دیدگاه کنترل- قدرت، دیدگاه مدونا خور. بحث اصلی در دیدگاه کنترل- قدرت این است که در جامعه، توازن قدرت به سود مردان است. اقتصاد، پست‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری در دست مردان بوده است،

لذا این مسئله به طور طبیعی به محیط کوچکتر که محیط خانواده است، تأثیر می‌گذارد. اما براساس دیدگاه مدوناخور، هر زمان زنان برخلاف نقش‌های زنانه خود که همسری و مادری است عمل کنند، این مسئله منجر به خشونت‌هایی در درون خانواده می‌شود. بنابراین ارزیابی پرونده‌ها در نظام کیفری در قالب این دو دیدگاه یا از دید ترحم و دلسوزی و یا از نگاه مدوناخور انجام می‌شود (البته پرونده‌هایی که بر اساس دیدگاه مدوناخور پیش می‌رود کمتر به نتیجه می‌رسد). در این فرایند عدم شکایت خانم‌ها به دلایل ذیل است:

- ۱- گاهی شرم و حیا و نگاه بدی که از سوی خانواده‌ها می‌شود.
- ۲- گاهی ناشی از طلاق و ترس از سر بار شدن است.

بعد دیگر این است که زوجه شکایتی مطرح می‌کند اما با موانع زیادی روبه‌رو می‌شود. یکی از این موانع و مشکلات گروکشی به خصوص در بحث‌هایی چون حضانت فرزند، مهریه و نفقه مطرح می‌شود. مشکل دیگر ادلهٔ اثبات است. شکایت‌هایی که در این زمینه انجام می‌شود با سخت‌گیری‌های بسیار زیادی روبه‌رو می‌شود. چون خانمی که در خانواده تحت فشار قرار می‌گیرد شاهدهی بر این ماجرا ندارد. بعد دیگر مردسالارانه بودن نظام کیفری است. از آنجایی که بیشتر قضات (۹۰ درصد) مرد هستند و دیدگاه‌ها و تفکرات مردانه دارند، به طور طبیعی در این روند تأثیرگذار خواهد بود. در حال حاضر، در رابطه بین به ستوه آوردن، خشونت و جرم در نظام کیفری یک عمومی و خصوص مطرح است. به هر به ستوه آوردنی، خشونت گفته نمی‌شود و هر خشونتی را هم جرم نمی‌دانند و در عمل موجب فشار مضاعف نسبت به خانواده می‌شود. البته در این خصوص نمی‌توان به نظام قضایی خرده گرفت چرا که بخشی از بحث به قانونگذاری مربوط می‌شود و بخش دیگر با فرهنگی که در جامعهٔ ما حاکم است، ارتباط دارد.



قرآن زعفرانی با ترجمه‌ای کهن به فارسی

فارسی است. ترجمه فارسی در «قرآن زعفرانی» تنها و تنها به قصد برگردان آیات — و نه شرح و تفسیر آن — در میان سطور قرآنی افزوده شده است.

کریمی نیا افزود: مترجم پارسی قرآن در این نسخه را به درستی نمی‌شناسیم، اما می‌دانیم

به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، نشست «قرآن زعفرانی با ترجمه‌ای کهن به فارسی» روز یکشنبه، ۱۶ تیر در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور جمعی از علاقمندان برگزار شد.



که از تفسیر سورآبادی تأثیر فراوانی یافته، و این متن را قریب ۵۰ سال پس از درگذشت سورآبادی (د. ۴۹۴ هجری) نوشته است. ترجمه قالبی کلمه به کلمه دارد؛ یعنی مترجم به سبک نخستین مترجمان قرآن در زیر هر کلمه معادل فارسی آن را می‌نویسد. از همین رو، نحو جملات تا حد زیادی عربی است. مترجم علاوه بر برخورداری از توانایی در ادب فارسی، دانش‌های قرآنی، تاریخی، فقهی، به مضامین کلامی قرآن توجهی ویژه دارد. ظاهراً وی آیات مربوط به افعال و صفات الهی را با تفسیر خاصی که به معتزله نزدیکتر است، به فارسی ترجمه می‌کند، اما در واقع باید بدانیم که این رنگ و بوی کرامیه در تفسیر سورآبادی است که عیناً به «قرآن زعفرانی» انتقال یافته است. با آنکه کاتب متن به روشنی تفسیر سورآبادی را در پیش چشم داشته، متن ترجمه «قرآن زعفرانی»، تفاوت‌هایی جدی از حیث نحوی، واژگانی و تفسیری با ترجمه آیات در سورآبادی دارد. در پایان صحبت‌های دکتر کریمی‌نیا، جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

در این نشست دکتر مرتضی کریمی‌نیا (استاد دانشگاه و پژوهشگر برجسته نسخ خطی) به ایراد سخن پرداخت و گفت: نسخه ش ۵۵۱ در موزه رضا عباسی یکی از مهمترین نسخه‌های قرآنی همراه با ترجمه فارسی از قرن ششم است که تاکنون توجه محققان و نسخه پژوهان را به خود جلب نکرده است. این اثر ارزشمند نسخه کاملی از قرآن کریم همراه با برگردان فارسی است که در سال ۵۴۶ قمری به دست کاتب ابوالفخر بن ابی‌الفضل الزعفرانی کتابت شده است. «قرآن زعفرانی»، کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ‌دار و حاوی ترجمه فارسی است. سایر نسخه‌ها نه تاریخ دارند و نه کامل هستند. نسخه‌های تاریخ‌دار چون قرآن ری نیز هم متأخر از زعفرانی هستند و هم ترجمه قرآنی‌شان مشروح و تفسیری است. به همین سان، تا میانه قرن ششم هجری، آثار فارسی قرآنی چندی به دست ما رسیده است، اما تمامی این متون، آثار تفسیری فارسی چون نسخه‌های طبری، سورآبادی، اسفراینی، حدادی و مانند آنهاست. «قرآن زعفرانی» در این میان یک ترجمه خالص قرآن به



رسانه‌ها و سبک زندگی جوانان ایرانی

تقی‌زادگان ادامه داد: متناظر با تنوع رسانه‌ها که در دنیای کنونی به وجود آمده است می‌توان از تنوع سبک زندگی صحبت کرد. اما لازم است برای مطالعه سبک زندگی، رسانه را مورد پرسش قرار داد و پرسید آیا رسانه‌ها موجب تنوع و گونه‌گونی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات روز یکشنبه دوم تیرماه ۱۳۹۸، نشست «رسانه‌ها و سبک زندگی جوانان ایرانی» را با هدف ارائه بستر و فرصتی برای بحث پیرامون تأثیر رسانه‌ها بر سبک زندگی برگزار کرد.



در انتخاب‌ها یا موجب همگونی و همسان شدن و انبوه‌شده انتخاب‌ها شده‌اند؟ به عنوان مثال آیا اینستاگرامیسم عرصه‌ای برای نمایش تنوع است یا عرصه‌ای از انتخاب‌های محدود اما ظاهراً متنوع؟ چه شواهدی درباره نسبت مستقیم میان مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی می‌توان ارائه کرد؟ در ادامه دکتر مهدی حسین‌زاده فرمی با اشاره به اینکه در دیدگاه‌های متأخر علوم اجتماعی بر نسبت میان «فردیت و انتخاب‌های فرد» و سبک زندگی تأکید بیشتری می‌شود، توصیفی از وضعیت و تحولات سبک زندگی در چهار دهه گذشته ارائه کرد.

عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم اجتماعی مواردی همچون الگوی مصرف، سبک پوشش و بازنمایی بدن، الگوی اوقات فراغت، الگوی اوقات فراغت ورزشی را به عنوان شاخص‌های شناخت سبک زندگی جوانان مطرح کرد و گفت: تلویزیون، موسیقی و استفاده از فضای مجازی به ترتیب سه الگوی گذران اوقات فراغت هستند که نشان‌دهنده اهمیت و قدرت رسانه در تعیین سبک زندگی

در این نشست دکتر مهدی حسین‌زاده فرمی، عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دکتر عبدالله بیچرانلو، عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران به ارائه دستاوردهای پژوهشی خود در این زمینه پرداختند. در ابتدای جلسه دکتر معصومه تقی‌زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با توضیح اینکه برای مطالعه جامعه، جامعه‌شناسان از مفهوم طبقه استفاده می‌کردند، گفت: طبقه، سلسله مراتبی از مردم را توضیح می‌دهد اما امروزه به چند دلیل، مفهوم سبک زندگی کارا تر از مفهوم طبقه است. اول آن که مفهوم طبقه مفهومی تک بعدی و اقتصادی است اما مفهوم سبک زندگی چند وجهی‌تر است. دوم آن که مفهوم طبقه در خود جبریت دارد اما سبک زندگی مبتنی بر تنوع انتخاب است. از همین رو می‌توان از تنوع سبک زندگی صحبت کرد و این پرسش را دنبال کرد که چه عواملی بر انتخاب‌ها در سبک زندگی مؤثر هستند. البته از میان این عوامل، «رسانه‌ها» جایگاه مهمی دارند.

است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در بازنمایی بدن در بین خانم‌های ایرانی، کنترل وزن بسیار مهم است، علاوه بر این زنان و مردان به یک اندازه به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی علاقه نشان می‌دهند. الگوی فراغت ورزشی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و رابطه با جنس مخالف و مصرف موارد دو جز اصلی فراغت‌های جمعی جوانان محسوب می‌شود».

حسین‌زاده با اشاره به موضوع شیوه زندگی اسلامی و ایرانی مورد نظر کشور، گفت: توسعه شتابان بعد از جنگ و غلبه ایدئولوژی خنثی و ناهماهنگی سیاستی در کشور و بعضاً نهادهای مجریان و قوای مختلف را که در مواردی مانند فیلترینگ خود را نشان می‌دهد، می‌توان به‌عنوان «عوامل ساختاری و نهادی» مؤثر در وضعیت فعلی سبک زندگی در کشور دانست و البته از تأثیر «عوامل شناختی و فردی» دوره کنونی نیز ناپستی غفلت کرد، تغییرات کاهش قدرت نگاه تقدیرگرایانه به زندگی و غلبه نگاه‌هایی مانند کوتاه بودن زندگی و برقراری پیوند میان زندگی و لذت. در نتیجه سبک زندگی فعلی بر ساخته دو عامل «ساختاری و نهادی» و «شناختی و فردی» است و سبب شده است که وضعیت سبک زندگی در کشور با انتظارات دینی و هنجاری جامعه

ایران زاویه و فاصله داشته باشد».

در ادامه دکتر عبدالله بیچرانلو نیز با ارائه نتایج مطالعه موردی مصرف موسیقی پاپ کره جنوبی به تأثیر این نوع مصرف رسانه‌ای در بین نوجوانان کشور پرداخت.

عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران در توضیح رابطه میان مصرف موسیقی پاپ کره‌ای و سبک زندگی نوجوانان، گفت: «گروه سنی نوجوانان هواداران این سبک موسیقی در کشور هستند که حتی برخی حدود ۱۰ ساعت در طول روز سرگرم کی‌پاپ هستند، اما با پایان یافتن دوران نوجوانی احساس همدلی و همذات‌پنداری با کی‌پاپ را ندارند».

وی با اشاره به ویژگی‌های صنعت موسیقی پاپ کره جنوبی و روند ستاره‌سازی در آن، مانند تأکید بر سخت‌کوشی و امید به زندگی، کارگروهی، عدم تأکید بر فرهنگ نهیلیستی، عاری بودن از جنبه‌های اروتیک، گفت: نوجوانانی که طرفدار این سبک موسیقی هستند رفتارهای مثبتی از خود نشان می‌دهند و به دلیل نزدیکی میان این موسیقی و فرهنگ کره‌ای میزان احترام به مادر و والدین در میان این افراد افزایش می‌یابد و میل آنها به سخت‌کوشی نیز بیش از قبل می‌شود.



دو دهه داستان کوتاه فارسی: نویسنده، متن، مخاطب

و روزنامه‌نگار، درباره «نسبت شهر و داستان کوتاه در دهه هشتاد شمسی» با توجه به متن داستانی سخن گفت. وی به سه موج داستان‌نویسی در ایران اشاره کرد و گفت: اولی با داستان «یکی بود، یکی نبود» جمال‌زاده آغاز شد و تا اصلاحات ارضی ادامه

پانزدهم تیرماه ۱۳۹۸، پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی به مناسبت بزرگداشت روز قلم، نشست «دو دهه داستان کوتاه فارسی: نویسنده، متن، مخاطب» را در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.



یافت. دوره دوم از آغاز دهه ۴۰ تا انقلاب اسلامی بود و موج سوم از سال ۵۷ تا سال ۷۶ جریان داشت. از آن پس اتفاقاتی در شکل‌گیری داستان کوتاه در دو دهه اخیر تأثیرگذار بودند مانند انتشار گزیده‌های داستان، ظهور مجلات داستان کوتاه مانند کارنامه و همشهری داستان که نویسندگانی جوان را معرفی کرد و سپس کم‌رنگ‌شدن نقش این مجلات و در عوض رواج جوایز ادبی مانند جایزه شهر کتاب، منتقدین مطبوعات، جایزه گلشیری و ... که گاه حتی از هزاران نفر نظرسنجی می‌کردند و سپس برگزیدگان حق نشر آثار خود را با امکانات و شرایط بهتری می‌یافتند. این خود به یک کنش مدنی بدل شد که بازخورد جامعه را در پی داشت. اتفاق دیگر، انتشار روزنامه‌هایی با قطر زیاد بود که انرژی نویسندگی را آزاد و نویسندگان بسیاری معرفی کرد که بعدها داستان‌نویس شدند. اینجا نویسندگی امری عادی و جوانی با شور جوانی معنی شد. بلاگ‌نویسی، شخصی‌نویسی، راحت‌نویسی و سبک‌بال‌نویسی فضای شهری را وارد داستان کوتاه کرد و باعث شد داستان کوتاه دهه هشتاد از عقبه خود جدا شود. افزون بر این حضور نویسندگان زن مانند زویا پیرزاد در این عرصه نقش

دکتر مریم شریف‌نسب، دبیری این نشست را بر عهده داشت. سخنران اول مهدی افروزمنش، نویسنده داستان کوتاه و روزنامه‌نگار، درباره «نویسنده بودن در دنیای امروز» سخن گفت. وی اهمیت مقاله نوشتن در دنیای امروز را بیش از نویسندگی برشمرد و گفت: در روزگار ما نوشتن نوعی تجربه‌ورزی است که همزمان به‌گونه‌ای نمایشی هم تبدیل شده است. در فضای مجازی نوشتن با معرفی شدن، تأیید شدن و نمایش خردمند بودن همراه است. در واقع نوشتن به‌مثابه مصرف کردن است نه نویسندگی. کسب و کاری که از آغاز با ایجاد یک صفحه اجتماعی آغاز شده و دنبال‌کننده‌ها فقط تأییدش کرده‌اند.

افروزمنش تأکید کرد: کتاب پرفروش و پربیننده امر ستوده‌ای است اما در این فضا برای رویای زیبا ساختن است، درحالی‌که وظیفه اجتماعی داستان اعتراض به کاستی‌هاست. نوشتن با سود و هزینه در بازار مغایر است زیرا سال‌ها تلاش و ممارست لازم است. در دنیای مجازی، نوشتن بی‌هزینه است؛ به تحمل سختی نیاز نیست و با لایک و تبلیغات بازار و سود در کنار آن شکل می‌گیرد. سخنران دیگر این نشست سینا دادخواه، نویسنده

بسزایی داشت.

دادخواه افزود: در این دوره فضای شهری مهم شد. تا قبل از آن تلفیق دنیای عین و ذهن را می‌دیدیم و از آن پس دنیای داستان عینی می‌شود. دیگر شهر آرایه نیست بلکه نقطه مبدأ است. فضای شهری نیز بخشی از این آگاهی شهری است. پس به نظر من در دنیای مجازی فقط جامعه نمایشی مطرح نیست، میل به بیان خویشتن مسئله مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

سخنران سوم آتوسا افشین نوید، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی، درباره مخاطبان داستان در دهه هشتاد سخن گفت. وی با تجربه سال‌ها تدریس در این زمینه بیشتر مخاطبان این حوزه را مخاطبان نخبه (به جهت تحصیلات و سطح مطالعه) بر شمرد. این مخاطبان نقاط ضعف و قوتی دارند که در ظهور، تداوم و افول داستان‌نویسی مؤثر است. زیرا داستان‌های هر جامعه بخشی از هویت ملی آن می‌شود. داستان‌ها و روایت‌های تداوم یافته و پررنگ شده یک جامعه در این امر نقش دارند. ارتباط مؤثر با داستان یعنی خواننده قصه را بفهمد و درگیر آن شود و دیگر آنکه بفهمد دغدغه فلسفی، اجتماعی و... که باعث نوشتن داستان شده چه بوده است.

افشین نوید ادامه داد: مخاطب باید بتواند بستری که داستان در آن شکل گرفته را پیدا کند. آیا مخاطب دهه نود چنین توانایی داشته؟ این

مخاطب سریال و فیلم و دنیای مجازی بسیار دیده پس قصه را خوب می‌فهمد، اما پیدا کردن نانوشته‌های لایه‌لای خطوط برای او دشوار است. خود فضای رسانه‌های اجتماعی در این ضعف مؤثر است. دلیل دیگر، ضعف نظام آموزشی است. باید آموزش داده شود که اثر ادبی چه تعاریفی می‌تواند داشته باشد و جستجوی فلسفی در این میانه چقدر اهمیت دارد. درباره آشنایی‌زدایی، عبور از لایه قصه به لایه معنا و تفکر انتقادی آموزش داده نشده است. مخاطب اثر ادبی را به مثابه اثر هنری نگاه می‌کند؛ یعنی ارتباط و تأثیر آنی. اگرچه این نیز به حوزه اندیشه نزدیک است اما تفکر انتقادی جایی ندارد و مخاطب در ارزیابی محتوا ضعیف خواهد بود. این مخاطب مطالعات تاریخی اجتماعی گسترده اما از نویسندگان مختلف با رویکردهای متضاد دارد، پس تصویری یکپارچه ندارد. از طرفی این خواننده نخبه می‌تواند کمک کند ارزیابی داستان، سوگیری منطقی داشته باشد. در این صورت روایت‌هایی که در ادبیات ما ماندگار می‌شود، ارزشمند خواهند بود. زیرا همیشه داستان‌هایی که بیشتر اقبال داشته‌اند، باقی می‌مانند. همچنین خواننده قوی، نویسنده قوی خلق می‌کند. در خاتمه نشست به پرسش حاضران پاسخ داده شد.



رویکردی به تصمیم‌سازی حکمرانی آب در وقایع حدی طبیعی

جایی از یک کشور خاص جریان دارند. به عبارتی بر اساس تعریف یانگ می‌توان حکمرانی را به‌عنوان یک ابزار اجتماعی برای اداره کردن اجتماعات انسانی دانست که مقاصد موردنظر و مطلوب حاصل شوند و از مقاصد غیرمطلوب اجتناب شود. بر این اساس حکمرانی آب وسیله‌ای برای ارائه راه‌حل‌های برون رفت از مسائل است.

چالش‌های پیشرو در مسائل حکمرانی آب به این ترتیب هستند:

- ماهیت مسائل به طور مداوم در حال تغییر است. لذا تصمیم‌سازی‌ها هم باید مطابق و هماهنگ با این تغییرات باشد؛

- منابع بیش از ظرفیت‌شان در حال استفاده و بهره‌برداری هستند؛

- کیفیت آب یکی از بحران‌های اساسی است؛

- همگرایی اکولوژی از بین رفته است؛

- مسائل و مشکلات آبی زمانی روی می‌دهند که نظام‌های سیاسی، اجتماعی و طبیعی در تقابل با هم باشند.

واقعیتی که در حال حاضر پیرامون مدیریت و حکمرانی آب وجود دارد آن است که صرفاً به استانداردها توجه می‌شود و ارزش‌های والاتر و مهم‌تر نادیده گرفته می‌شوند. در حالی که استانداردها نسبت به مکان و زمان به طور مداوم در حال تغییر هستند. لذا تضادهای آبی، که همواره بایستی در مدیریت آب مدنظر باشد، تضاد ارزش‌هاست و لزوماً تقابلات فیزیکی نیستند.

فصیحی تصریح کرد: راه حل کلی و موثری که برای حل مناقشات مسائل آب وجود دارد، دیپلماسی و گفتگو است. ارزش‌ها و علائق با گفت و گو استخراج می‌شوند. درواقع در مذاکرات علائق ابراز و توافقات حاصل می‌شود. مکانیزمی که در دنیا برای حل این دسته از تعارضات استفاده می‌شود، مذاکره و دیپلماسی است. البته بهره بردن از روش دیپلماسی، مستلزم ملزوماتی است که بدون آنها راه‌حل‌ها قابل‌دستیابی نخواهند بود. این ضروریات را می‌توان به صورت شرایط موردنیاز در تصمیم‌سازی‌ها درنظر گرفت. در این ارتباط ماهیت روان‌شناسی تصمیمات اهمیت زیادی دارند. دنیل گیلبرت، روان‌شناس، در این ارتباط می‌گوید: «پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وقتی بشر تصمیماتی می‌گیرد، این تصمیمات تمایل دارند بر روی آنچه که در حال وقوع است متمرکز شوند و فراموش می‌کنند آنچه که قبل از آن اتفاق افتاده است.» به عبارتی تصمیمات نباید به‌گونه‌ای باشند که

گروه پژوهشی جامعه و امنیت، نشست «تصمیم‌سازی حکمرانی آب در وقایع حدی طبیعی» را هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸، با حضور صاحب‌نظران حوزه آب و علوم انسانی برگزار کرد.

در این نشست دکتر مهدی فصیحی هرنیدی، پژوهشگر حوزه حکمرانی و دیپلماسی آب، به ارائه مطالب خود پرداخت. فصیحی در شروع سخنانش پیرامون وقایع حدی آب و هوایی گفت: هر واقعه غیرمنتظره، غیرمعمول، غیرقابل‌پیش‌بینی، شدید یا غیرفصلی را که در زمان یا مکان به‌طور نامناسب توزیع شده باشد، واقعه حدی



می‌گویند؛ هرچند تعاریف متفاوتی برای آن ارائه شده است. اغلب رویدادهای شدید بر اساس تاریخچه ثبت شده در محل و بر اساس ده درصد خطای غیرمعمول تعریف می‌شوند.

وی در مورد رویکرد حل مسائل آب تأکید کرد: به‌طور کلی رویکرد دستیابی به راه حل مسائل آبی باید سه جنبه اجتماعی، تکنیکی و سیاسی را در خود داشته باشد. به طور طبیعی مسیرهای کنونی، به‌طور عموم تکنیک‌ها را به خوبی در خود جای می‌دهند. مثل تلاش برای افزایش آب در زمان کم آبی و کاهش آب در زمان وقوع سیلاب‌ها. اما آنچه ضرورت دارد آن است که برای همه‌جانبه‌نگری به این موارد توجه لازم صورت پذیرد: راه حل‌های ترکیبی؛ متغیر اقتصادی، سیاسی و فنی؛ فرآیندهای اجتماعی؛ بازیگران و نهادها.

فصیحی در مورد حکمرانی آب گفت: آب، به منظور مدیریت و ارائه خدمات، به گستره‌ای از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری، وابسته است که در

بر مسائل غلبه کنند و به تک‌بعدنگری پرداخته شود. در این صورت جوانب به صورت کلی و ترکیبی دیده نشده، از راه حل‌های آینده‌نگرانه غفلت می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت، بایستی به علوم انسانی، اعم از فلسفه، مدیریت، روان‌شناسی و ...، به عنوان یک امر بسیار ضروری در ارتباط با حل مسائل آب، توجه کرد. فسیحی در ادامه سخنانش به سیلاب گرگان رود اشاره کرد و گفت: سیلاب رودخانه گرگان رود در ۲۷ اسفند ۱۳۹۷ اتفاق افتاد. دو روز قبل از آن هواشناسی در این خصوص اخطارهای لازم را صادر کرده بود. بر اساس این اخطارها، به منظور کاهش تخریب‌های سیلابی، در مسیر این رود خاکریزی احداث و آب به سمت دشت‌ها منحرف می‌شود. هدف از ساخت این خاکریز آن بوده است که آب در سطح دشت‌های اطراف پخش و از شدت سیلاب اصلی کاسته شود. اما در عمل این تصمیم مدیریتی، یعنی انحراف مسیر طبیعی یک رودخانه، که مبنای و زیرساخت‌ها را در نظر نگرفته است، سبب شد روستاهای واقع در دشت‌های اطراف نیز دچار سیلاب شوند و در عین حال سیلاب اصلی اثرات مخرب خود را برجا بگذارد. از سویی در «سیمین شهر» ملاحظه می‌شود که خسارات کمتری به وجود آمده است. زیرا فرماندار این شهر در زمان وقوع سیلاب، تصمیم می‌گیرد با افراد محلی نظیر چوپانان مشورت کند؛ به این صورت که مسیر اصلی سیلاب‌های فصلی را بررسی کرده و بر این اساس راهکارهایی را اتخاذ می‌کند. بر مبنای مقایسه این دو مثال از وقوع یک سیلاب می‌توان دریافت حکمرانی مسائل آبی کلی و مجموعه‌ای است. گاهی مراجعه به اجتماع و درک نظرات جامعه مهم‌تر

تلقی می‌شود. لذا با صرف پرداختن به مسائل فنی و اتخاذ تدابیر تکنیکی، نمی‌توان به صورت همه‌جانبه مدیریت کرد.

این پژوهشگر حوزه حکمرانی و دیپلماسی آب در مورد راهکارهای مسائل آب، محورهای اصلی و مهم ذیل را به ترتیب مورد توجه قرار داد:

- تکنیکی: تکنیک‌های مقرون به صرفه از نظر اقتصادی؛
- مدیریتی: حفظ یکپارچگی تصمیمات؛
- اجتماعی: مذاکره و دیپلماسی؛
- هنجاری: تمرکز بر ارزش‌های همه ذی‌نفعان و طرف‌های مذاکره.

دکتر فسیحی در خاتمه، سخنان خود را اینگونه جمع‌بندی کرد: متأسفانه در سال‌های اخیر در نگاه مدیریتی حل مسائل آبی، عمدتاً بر تکنیک‌ها و راه حل‌های طبیعی تمرکز شده و از زمینه‌های مورد نیاز در علوم انسانی نظیر ابعاد سیاسی، فرهنگی، ارزشی، اخلاقی و اجتماعی غفلت صورت گرفته است. درحالی‌که در حل معضلات آبی، به منظور همه‌جانبه‌نگری، حکمرانی آب اهمیت ویژه‌ای دارد. در حکمرانی آب فقط به مدیریت یک‌جانبه پرداخته نمی‌شود؛ بلکه همه ارزش‌ها و هنجارها در نظر گرفته شده و با نقش‌آفرینی در کلیه سطوح مؤثر هستند. درنهایت پیشنهاد این است که چنین مباحثی در فضای علمی و دانشی مورد نظر قرار گیرد تا حکمرانی آب به صورت مؤثرتری به حل معضلات آب در کشور منجر شود.



رسانه‌های اجتماعی، کاربران ایرانی و سبک زندگی موبیتال

نشست «رسانه‌های اجتماعی، کاربران ایرانی و سبک زندگی موبیتال» به مناسبت روز جهانی «رسانه‌های اجتماعی» با حضور مرسده نیک‌بخش، فرزانه نزاکتی و حسین بصیریان جهرمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در این نشست که روز سه‌شنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۸ به میزبانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و

شبکه‌ای کاربران ایرانی اینستاگرام» ارائه کرد و گفت: به‌طور کلی دو رویکرد عمده در مطالعات فضای مجازی وجود دارد: یکی «مطالعه فرهنگ اینترنت» (که به صورت آنلاین اتفاق می‌افتد و از زندگی واقعی جدا می‌شود) و «مطالعه بر روی صفحات نمایشگر» (که بر بحث‌های متنی در جماعت‌های آنلاین متمرکز شده و به هویت‌های سیال و فرهنگ شکل گرفته در فضای مجازی ناظر است) و دیگری «مطالعات فرهنگی



ارتباطات برگزار شد، در ابتدا حسین بصیریان جهرمی، ضمن خیر مقدم به استادان و حاضران در جلسه، تاریخچه جهانی این روز را که از سال ۲۰۱۰ میلادی در تقویم جهانی ۳۰ ژوئن تعیین شده، مورد تأکید قرار داد و گفت: امسال یک دهه از برگزاری روز جهانی «رسانه‌های اجتماعی» در جهان می‌گذارد و در ایران نیز، از سال ۱۳۹۱ به همین مناسبت نشست‌هایی با حضور پژوهشگران، کاربران و کنشگران فعال این حوزه برگزار شده است. بصیریان با ارائه آمارهایی از مؤسسات نظرسنجی معتبر جهان در حوزه رسانه‌های اجتماعی نظیر «برند واچ» به ۳٫۵ میلیارد کاربر فعال رسانه‌های اجتماعی در جهان اشاره و ابراز امیدواری کرد که در کنار رویکردهای کمی و پوزیتیویستی در مراکز نظرسنجی و پیمایش افکار در کشور، فراهم آمدن فرصت‌هایی از این دست و تداوم گفتگو در باب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رسانه‌های اجتماعی، راهگشای دانشجویان جوان و علاقه‌مندان به علوم ارتباطات باشد.

اینترنت» (که در آن فرهنگ هم به صورت آفلاین و هم به شکل آنلاین مدنظر است) و «زندگی روبه‌روی صفحه نمایش» (که بین تجزیه و تحلیل‌های محیط آنلاین و آفلاین پیوند برقرار می‌کند). این پژوهشگر، مسئله خود در این پژوهش را «شناسایی چیستی و چرایی کنش کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام» بیان کرد و هدف اصلی از انجام آن را «گونه‌شناسی از الگوهای فرهنگی رایج در کنش‌های کاربران اینستاگرام» برشمرد. روش این پژوهش که در قالب رساله دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، انجام شده به شیوه ننتوگرافی (مردم‌نگاری شبکه‌ای) و مبتنی بر آرای روبرت کوزینتس برای مطالعه اجتماعات آنلاین ابداع شده که رویکردی کیفی و بر مبنای پارادایم تفسیری تلقی می‌شود. داده‌های اصلی این پژوهش، از کپشن‌ها و کامنت‌های کاربران ایرانی در صفحات «اینستاگرام-بلاگر» احصاء شده است که در مجموع ۴۵ صفحه انتخاب و تحلیل شده‌اند.

در ادامه، نیک‌بخش با تشریح تعاریف برگرفته از مطالعات کوزینتس، کاربران را به چهار گروه خودی‌ها، مریدان،

گردشگران و آمیخته‌ها تقسیم کرد و ویژگی هر کدام را برشمرد. وی همچنین، به ملاحظات اخلاقی مورد نظر در روند انجام پژوهش و شیوه استخراج مضامین و مقوله‌ها با استفاده از کدگذاری مضمونی و نظری اشاره کرد.

یافته‌های توصیفی این پژوهش مؤید وجود روایت‌هایی از موضوع‌ها و موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره و شخصی کاربران (ذیل سه عنوان بسترهای روایی، مضامین و درونمایه‌ها) است که شامل، روایت‌های تعاملات، فراغت، مصرف و سلامت است. همچنین در بخش یافته‌های تحلیلی، کدگذاری داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه، نشان‌دهنده صورت‌بندی روابط بین مقوله‌های مرتبط با خودبیانگری الگوی فرهنگی «ایده‌آل‌سازی» از زندگی روزمره با تأکید بر شیوه‌های مادی و معنوی (فرامادی) است.

نیک‌بخش در پایان، مدل پارادایمی پژوهش خود را از صورت‌بندی روابط بین مفاهیم و مقوله‌ها، مبتنی بر زمینه، عناصر مداخله‌گر، استراتژی کنش متقابل، پدیده، پیامد و شرایط علی، تشریح کرد و روایت‌های کاربران صفحه‌های زندگی روزمره را از سبک زندگی در ابعاد مختلف «مصرف گرایی»، «حفظ ظاهر مقبول» و «تکثر و تنوع» برشمرد و از آنها به عنوان عوامل متمایز کننده، اعتباربخش و سرگرم‌کننده در بین کاربران ایرانی اینستاگرام یاد کرد.

در ادامه این نشست، فرزانه نزاکتی (دکترای علوم ارتباطات)، به موضوع پژوهش خود با عنوان «سبک زندگی موبیتال در جامعه دانشجویی» پرداخت و ابداع واژه «موبیتال» را که از ترکیب واژه‌های موبایل و دیجیتال ساخته شده، ناظر به سبک زندگی جدیدی دانست که همزمان تحت تأثیر دو فرایند مهم دیجیتالی شدن و موبایلی شدن قرار گرفته است. این پژوهشگر ارتباطات، با انتقاد از اینکه بیشتر پژوهش‌های پیشین با رویکرد اثباتی و روش‌های کمی صورت گرفته و پیش از آنکه به دنبال فهم پدیده باشد، به دنبال کشف روابط بوده‌اند،

یادآور شد: در نتیجه کاربری گسترده دستگاه‌های دیجیتال همراه توسط دانشجویان در همه شئون و عرصه‌های زندگی (تحصیل، کار و زندگی شخصی و اجتماعی)، فرهنگ و سبک زندگی دانشجویی تغییر کرده و سبک زندگی جدیدی ایجاد شده که ما دانش کافی درباره آن نداریم. بنابراین در وهله نخست، نیازمند شناخت، فهم و درک این سبک زندگی هستیم، که این امر مسئله پژوهش حاضر را در بر گرفته است.

نزاکتی هدف اصلی پژوهش خود را «شناخت سبک زندگی موبیتال دانشجویان» بیان کرد و افزود: روش پژوهش، آمیخته است که از یک سو مبتنی بر نظریه مبنایی به منزله یکی از گونه‌های تحقیقی کیفی است که اساس آن بر استقرای تحلیلی قرار دارد و دیگری پیمایش و با رویکرد اثبات‌گرایانه است. در ادامه یافته‌های این پژوهش که عمدتاً مبتنی بر نظریه کنشگر-شبکه برونو لاتور قرار دارد، در دو بخش کارکردها و آثار و پیامدهای سبک زندگی موبیتال دانشجویان، نمایانگر تعامل پیچیده «مقتضیات کاربر»، «مقتضیات دستگاه‌ها» و «مقتضیات جامعه» تشریح شد.

نزاکتی در پایان، بر پیشنهادی سیاستگذارانه برگرفته از یافته‌های این پژوهش در حوزه رسانه‌های اجتماعی تأکید کرد و اصلاح فرهنگ مصرف فناوری در جامعه را، نه فقط با آموزش کاربران یا محدود ساختن فناوری، بلکه مستلزم مقتضیات جامعه، کاربران و سایر دستگاه‌ها دانست و با توجه به نقش جامعه در شکل‌دهی سبک زندگی موبیتال، فاصله گرفتن از «مهندسی فرهنگی» مصرف فناوری‌های نو و در عوض، جبران محدودیت‌ها و محرومیت‌های فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی- سیاسی را ضروری دانست و یادآور شد: سیاستگذاری و سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری‌های ارتباطی، باید با توجه به ارزش‌های مد نظر کاربران در انتخاب فناوری (گسترش آزادی‌ها، کاهش محدودیت‌ها، افزایش قدرت شهروندان) باشد.



خوانش فصل اول کتاب «شذرات المعارف»

روز دوشنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۹۸، سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین داوود مهدوی زادگان با موضوع «خوانش فصل اول از کتاب شذرات المعارف» برگزار شد.

در حوزه سیاست دست یابیم. وی ادامه داد: کتاب شذرات المعارف در پنج «شذره» فصل یا بخش‌بندی شده است. شذره در زبان عربی به معنای پاره‌ها یا تکه‌های طلا است و



دکتر مهدوی‌زادگان در ابتدای نشست گفت: علمای معاصر جهان اسلام همواره دغدغه انحطاط مسلمین و گذار از آن را داشته‌اند و به همین خاطر، در جنبش‌های اجتماعی، حضوری فعال و هدایت‌گرایانه داشته و دارند. به همین میزان آنان از ساحت نظر نیز غافل نبودند و به موازات کنش سیاسی - اجتماعی، به تولید ادبیات دینی - سیاسی نیز می‌پرداختند. از جمله این آثار علمی، کتاب گرانقدر شذرات المعارف مرحوم آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی (ره) (متولد ۱۲۹۲ ق / ۱۲۵۱ ش - متوفی ۱۳۶۹ ق / ۱۳۲۸ ش) است که حدود سال ۱۳۲۰ شمسی منتشر شده است. این کتاب را به جرأت می‌توان در زمر آثار کلاسیک علمای امامیه معاصر در حوزه فلسفه سیاسی دانست. هر خواننده منصف و آگاهی با مطالعه آن به چنین ارزیابی خواهد رسید. زیرا محتوای کتاب پیرامون نقد اوضاع سیاسی و اجتماعی موجود و تبیین وضعیت مطلوب سیاسی است. از این رو تلاش می‌شود با خوانش فصل اول این کتاب، به درکی عمیق‌تر از تأملات فلسفی مرحوم شاه آبادی (ره)

نیز به معنای مهره‌هایی است که در میان رشته مروارید با فاصله مشخصی قرار داده می‌شود. چنانکه به معنای دانه کوچک مروارید هم آمده است. همان‌طور که از عنوان شذره اول (توضیح المرام الاسلام فی شفاء صدور الانام) آشکار است، مرحوم شاه آبادی به وجود بیماری مزمن در جامعه اسلامی و راه علاج آن بر مبنای عقیده اسلام می‌پردازد. این بیماری و انحطاط به قدری است که جامعه را از صورت انسانیت دور ساخته تا چه رسد به سیرت اسلامی. گرچه متدینین اظهار دردمندی می‌کنند ولی کافی نیست و باید به اسباب و راه علاج آن توجه کرد. علل پیدایش این بیماری در چهار چیز است:

عامل نخست؛ غرور مسلمین به حقانیت خود و امر شفاعت است. غرور به حقانیت، منشأ شکل‌گیری «اسلام انفرادی» و ترک امر به معروف و نهی از منکر است. در حالی که «قرآن مجید با اسلام انفرادی» مناسبت ندارد. غرور به شفاعت، منشأ ارتکاب به رذایل اخلاقی است. به عقیده مرحوم شاه آبادی آغاز انحطاط جامعه اخلاق است. این

امر موجب واگذاری ابواب صنایع و حرف به دشمن مسلمین و قوت گرفتن آنها شده است.

عامل دوم؛ یأس از ظهور سعادت دینی و دنیوی است. اگر جمعی از مسلمین گرفتار عامل ممرضه غرور نیستند، گرفتار چاه پر تباه یأس هستند و خود را از تکلیف مبری و معری می‌دانند.

عامل سوم؛ افتراق مسلمین و انفصام از خیط اخوت است. شاه آبادی (ره) اختلاط مسلمین با اجانب را عامل این افتراق دانسته است.

عامل چهارم؛ نداشتن بیت‌المال است. مملکت اسلامی محتاج عده و عده است. وجوب احکام خمس و زکات و دیگر حقوق مالیه در اسلام از همین باب است. سیادت دینی و دنیوی مسلمین در همین امر است.

مهدوی‌زادگان تصریح کرد: مرحوم آیت الله محمد علی شاه‌آبادی در فهم عوامل پیدایش انحطاط مسلمین به عامل مهم‌تری اشاره کرده که عبارت از «جهل به مرام اسلام» است. زیرا محرک اساسی مسلمین در عبور از وضعیت اسفبار سیاسی و اجتماعی، آگاهی جمعی از مرام و عقیده اسلام است. اما این مرام اسلام چیست؟ ایشان مرام اسلام را در دو امر دانسته است:

اول: حفظ اختصاص حکومت مطلقه به قرآن مجید.

دوم: حفظ اختصاص ولایت مطلقه به مقام مقدس حضرت حجت بن الحسن صاحب‌العصر و الزمان عجل الله فرجه الشریف است.

مرحوم شاه آبادی (ره) ذیل مرام اسلام دو اصل و چند فرع را ذکر کرده است. هر یک از این اصول و فروع معانی بلندی را در بر دارند.

اصل اول: بسط معارف و حقایق دیانت در حدود ممالک اسلامی.

اصل دوم: توسعه اجتماعات مذهبی برای ارتباط و دوستی متدینین با یکدیگر که به منزله خیط اخوت است.

فروع

اول: ترغیب مردم به علما و تشویق محصلین علوم دینی و ترمیم معاش آنها و تأسیس مؤسسات تعلیمی

دوم: استحکام اتحاد فیما بین علمای اعلام.

سوم: تأسیس مجله دیانتی برای ترویج مقاصد مذهبی و افعال جمعیت.

چهارم: تأدب و تظاهر به شرع و ترک کلیه محرمات و تعظیم شعائر اسلام و حضور در جماعات اسلامی.

پنجم: اقتصاد در امر معیشت و ترک قیود مضره.

ششم: ایجاد شرکت از روی قواعد علمیه برای ترقی تجارت مشروع و صناعت و زراعت.

هفتم: ایجاد اساس مقتضی تمکن دادن قرض الحسنه و سد باب ربا.

هشتم: تعیین مشاغل مشروعه برای افراد بیکار جمعیت و تمهید وسایل اعانت به ضعفا و فقرا. نهم: دفاع از صدمات غیرمشروعه به حقوق افراد جمعیت.

دهم: حضور در مصائب و تشییع جنازه مسلمین و معاشرات اسلامی.

یازدهم: حضور در هفته یکبار در مرکز مخصوص جمعیت برای تحصیل مهمات مذهبی و مذاکرات اسلامی.

دوازدهم: التزام هر یک از معاهدین برای هدایت یک نفر که عمل به مواد مذکور نماید.

سیزدهم: ارجاع نمودن اختلافات حاصله فیما بین افراد جمعیت به هیأت رئیسه. رجوع به غیرمحاکم شرعیه موجب خروج از جامعه است.

چهاردهم: تشکیل بیت‌المال از زکوات و اخماس و غیرهما.

مهدوی‌زادگان در خاتمه تأملات پیرامون کتاب را به شرح زیر برای حضار ارائه کرد:

۱. مرحوم شاه آبادی در ورود به بحث، از پرداختن به مقدمات بعیده پرهیز کرده و در اشاره به اصول اساسی اسلام مانند توحید و نبوت و معاد را به مرتکبات مخاطب تکیه کرده است.

۲. فصل اول کتاب با مسئله انحطاط آغاز شده است. لیکن نظریه انحطاط شاه آبادی منبعث از مرام اسلام است و نه نگاه به توسعه ممالک غربی.

۳. تمام اجزای لازمه برای تدوین فلسفه و نظریه سیاسی را در این کتاب می‌توان مشاهده کرد.

۴. با مقایسه و مطالعه تطبیقی می‌توان فهمید که تا چه اندازه مفاهیم اساسی فلسفه سیاسی مرحوم شاه آبادی (ره) در آرای سیاسی شاگردشان امام خمینی (ره) حضور دارد. مفاهیمی چون حکومت مطلقه اسلام، اسلام سیاسی و نفی اسلام انفرادی، وحدت اسلامی، حفظ جمعیت اسلامی، انحطاط مسلمین و غیره. کتاب کشف اسرار امام خمینی (ره) سه سال بعد از این کتاب منتشر شده است.

۵. کتاب «شذرات‌المعارف» در دوره اختناق رضا خانی، بیانگر استمرار اندیشه سیاسی نزد علمای امامیه است.



بررسی زمینه‌ها و علل اساسی بحران تورم

شده بود، سه شاخص مهم ترسیم اقتصاد کشور را رشد اقتصادی، تورم و بی‌کاری دانست و گفت: بررسی مستقل هر یک از این شاخص‌ها به تنهایی اثری نخواهد داشت؛ زیرا این سه شاخص ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. برای ترسیم چرخه اقتصاد کشور باید

به همت گروه پژوهشی جامعه و امنیت، نشست «بررسی زمینه‌ها و علل اساسی بحران تورم (به طور خاص در سال ۹۷) و ارائه سیاست‌ها و راهبردهایی در جهت مدیریت بحران» اول خرداد ماه ۱۳۹۸، با ارائه دکتر ایوب فرامرزی، معاون پژوهشی پژوهشکده آمار،



همه بازارها را در کنار هم دید. بازار کالا و خدمات که رشد اقتصادی را رقم می‌زند؛ تورم که بازار پول و ارتباط بین بازارها و حجم پولی را ترسیم می‌کند؛ و نیروی کار به عنوان مهمترین شاخص عوامل تولیدی بسیار با اهمیت است.

سپس دکتر فرامرزی، معاون پژوهشی پژوهشکده آمار، در ابتدای سخنانش تعریفی از استاندارد از تورم ارائه کرد و با بیان افزایش مستمر و مداوم قیمت‌ها در طول زمان، گفت: اگر این افزایش در یک بازه زمانی محدود باشد، تورم به حساب نمی‌آید و مستمر و در طول زمان بودن دو ویژگی اصلی تورم است. در یک طبقه‌بندی کلی سه کارکرد اصلی تورم که لزوم مطالعه بر آن را ایجاب می‌کند؛ موارد ذیل است: ۱- تصمیم‌گیری‌های اقتصادی (چه توسط بخش دولتی و چه توسط بخش خصوصی) عمدتاً با در نظر گرفتن تورم صورت می‌گیرد. ۲- آثار رفاهی که تورم از خود برجا می‌گذارد. ۳- تعدیل متغیرهای اسمی و متغیرهای واقعی.

برگزار شد.

در ابتدای نشست محمدعلی مینایی، مدیر نشست‌های راهبردی و دبیر نشست، با ارائه مقدمه و توضیحی از نشست گذشته، از حساسیت و مطالعه بیشتر در این زمینه، به دلایل مختلف از جمله افزایش بی‌سابقه تورم در ماه‌های منتهی به آخر سال ۹۷ خبر داد و گفت: یکی از بعدهای مورد پژوهش در مطالعات امنیت اجتماعی، بعد اقتصادی است. در بعد اقتصادی امنیت اجتماعی سه مؤلفه وجود دارد: (۱) ثبات، (۲) عدالت، (۳) ثروت. در مؤلفه ثبات اقتصادی دو شاخصه اساسی مؤثر در بی‌قراری ثبات و در بی‌ثباتی، «نرخ بیکاری» و «نرخ تورم» هستند.

این موضوع باعث شده تا از تلفیق پژوهش‌های مرکز آمار و مرکز مطالعات امنیت اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی، پژوهش منسجمی رقم بخورد و نتیجه‌ای حاصل شود.

در ادامه دکتر جواد حسین‌زاده با بیان خلاصه‌ای از مطالب ذکر شده در نشست قبل که در ارائه وی بیان

فرامرزی افزود: برای شروع مطالعه در ارتباط با تورم بایستی ابتدا منشأ اقتصادی تورم را یافت. علم اقتصاد بر پایه تعادل بنا گذاشته شده است. حالت تعادل حالتی است که عرضه یک کالا، یک خدمت، یک نیاز یا خواست با تقاضای آن خدمت، نیاز یا خواست کالا برابری کند. افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) می‌تواند علل متعددی داشته باشد. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان بروز تورم را ناشی از مازاد تقاضای کالاها و خدمات نسبت به مقدار عرضه شده آنها در بازارهای مختلف دانست. مازاد تقاضای کالاها و خدمات، یا به دلیل فزونی تقاضای کالاها و خدمات از عرضه آنها است که اصطلاحاً می‌توان بیان داشت منشأ تورم طرف تقاضای اقتصاد است و یا به دلیل کاهش میزان عرضه کالاها و خدمات از تقاضای آنها است که اصطلاحاً می‌توان گفت که منشأ تورم طرف عرضه اقتصاد است. خارج از این دو حالت نمی‌تواند تورمی وجود داشته باشد.

وی گفت: شدت تورم نیز متفاوت است و به ۵ دسته تقسیم می‌شود: تورم خزنده یا خفیف (بین ۲ تا ۳ درصد)؛ تورم رونده (بین ۳ تا ۷ درصد)؛ تورم متوسط (بین ۷ تا ۱۵ درصد)؛ تورم دونده (بیش از ۱۵ درصد تا تقریباً ۹۰ درصد)؛ ابر تورم یا تورم چهارنعل (تورم ۳ رقمی). نکته‌ای که وجود دارد این است که بین تورم متوسط و ابرتورم راه زیاد و فاصله زیادی نیست.

بین ۱۵ تا ۹۰ درصد، اگر شرایط فراهم باشد در بازه زمانی کوتاهی، تورم حرکت می‌کند. در ۱۵ سال گذشته اقتصاد ایران، بزرگترین تورم سالانه، تورم ۳۷ درصدی سال ۹۲ بوده است. در سال ۹۸ تورم سالانه در اردیبهشت ماه ۳۴ درصد بوده. نکته قابل توجه همزمانی هر دو موج تورم با تحریم‌ها علیه ایران است. یعنی اینکه تحریم را باید به‌عنوان یکی از عوامل بروز تورم مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به این نکته که هم شاخص قیمت تولیدکننده و هم نرخ ارز قبل از بروز تورم سال ۱۳۹۱ افزایش چشم‌گیری داشته‌اند، لذا می‌توان استدلال نمود که منشأ بروز تورم در کشور فشار هزینه‌های تولید بوده و تورم رخ داده شده در سال مورد نظر، تورم طرف عرضه بوده است. از آنجا که تورم رخ داده شده در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ با کاهش رشد اقتصادی همراه بوده است لذا می‌توان این تورم را تورم رکودی نامید.

فرامرزی در خاتمه سخنانش درباره راهکارهای درمان تورم رکودی تأکید کرد: در راستای درمان تورم رکودی باید تقویت سمت عرضه، اقتصاد فرایند تولید کالاها و خدمات با سهولت و به شکل انعطاف‌پذیرتر صورت پذیرد. با تقویت فرآیندهای تولیدی اصطلاحاً با انتقال رو به جلو منحنی عرضه کل اقتصاد هم تورم کاهش خواهد یافت و هم رکود از بین خواهد رفت.



آسیب‌شناسی ربع قرن جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

میان باید به کسانی چون صمد بهرنگی، علی‌اشرف درویشیان، هوشنگ مرادی‌کرمانی، و حتی احمد شاملو و... اشاره کرد. در حوزه ادبیات نمایشی برای کودک و نوجوان، اولین اثر نوشته‌شده در ایران، نمایش‌نامه سه‌پرده‌ای «سروش و نیلا» اثر «هومبر دونیک» است که توسط علینقی‌خان وزیری ترجمه شده است. در

نخستین جلسه از سلسله نشست‌های ادبیات نمایشی کودک و نوجوان در ایران و آسیا، با موضوع «آسیب‌شناسی ربع قرن جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان» با حضور منصور خلج، دکتر محمد عارف، بهرام دوست قرین، دکتر محمد نجاری به میزبانی مرکز اسناد فرهنگی آسیا روز شنبه ۲۵ خرداد ۹۸ برگزار شد.



همان سال‌ها وزیری نمایشنامه‌ای با نام «روز پذیرایی» برای کودکان نوشت که اجراهای زیاد و موفقی داشت. اما در این میان جبار باغچه‌بان مشهورترین کسی است که با راه‌اندازی مهدکودکی، خود به نوشتن و اجرای آثار نمایشی کودک می‌پردازد تا آن‌جا که او را «پدر تئاتر کودک در ایران» لقب داده‌اند. در سال ۱۲۹۸ میرزاجبار عسکرزاده معروف به جبار باغچه‌بان نخستین نمایش کودک با عنوان «خُرخر» را در حیاط مدرسه احمدیه شهر مرنند اجرا می‌کند. نکته مهم در این خصوص مقایسه تاریخی با ۴ ژوئیه ۱۹۲۰ است که ناتالیا زانس اولین تئاتر دولتی کودکان را در مسکو تأسیس می‌کند و در ۱۹۲۱ است که شکل تئاتر کودکان مسکو را به نام تئاتر مرکزی به وجود می‌آورد؛ یعنی زمانی که حدود دوسال از فعالیت‌های تئاتری جبار باغچه‌بان در تبریز مرنند گذشته است. این نکته برای ما از چند جهت برای ما حائز اهمیت است:

۱- خودجوش بودن این حرکت بدون الگوبرداری از

در ابتدای این نشست، دکتر محمد نجاری، دبیر علمی سلسله نشست‌های ادبیات نمایشی کودک و نوجوان، با تشریح اهمیت ادبیات نمایشی کودک و نوجوان گفت: ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه کودکان و نوجوانان می‌گویند. این گونه ادبیات هم دربرگیرنده بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، قصه‌هاست و هم داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را دربرمی‌گیرد که نویسندگان و سراینده‌ها برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند. «ابوالفضل صبحی مهدی» نخستین فردی است که داستان‌های عامیانه ایرانی را برای کودکان گردآوری کرد. اولین تلاش‌ها برای آوردن ادبیات کودک و نوجوان مربوط به به دوره مشروطه و فضای حاکم بر آن دوران است. بعدها، ادبیات کودک و نوجوان در ایران رشد فراوانی کرد و با بازگشایی «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» به سال ۱۳۴۴ نقطه عطفی در چاپ کتاب کودک پدید آمد. در این

تئاتر غرب

۲- شروع تئاتر کودک در ایران پیش از آغاز تئاتر کودک در بسیاری از کشورهای جهان

۳- با توجه به این پیشینه، نرخ جمعیتی، وجود جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، الگوهای خاص نمایشنامه‌نویسی ایرانی در این حوزه و... فرصت مناسبی است که از این اتفاق مهم غفلت نورزیم و با معرفی نام جبار باغچه‌بان به جهانیان یک رویداد مهم برای فرهنگ و هنر این سرزمین رقم بزنیم.

در ادامه دبیر علمی این نشست افزود: اتفاق مهم در حوزه تئاتر کودک، راه‌اندازی «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» است که در آن تلاش‌هایی جدی برای اجرای نمایش‌های کودکان صورت گرفت. از چهره‌های برجسته کانون پرورش فکری می‌توان به بیژن مفید اشاره کرد که با نمایش‌های «شاپرک خانم»، «ترب»، و «خورشید خانم آفتاب کن» نقش مهمی در جذب مخاطبان کودک ایفا می‌کند. پس از انقلاب، تئاتر کودک فعالیت‌های فراوان و چهره‌های اثربخشی داشته است و تلاش شده است با برگزاری جشنواره‌های متعدد کشوری به این رشته رونق بخشیده شود. مهمترین این اقدام‌ها هم جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان (امید - همدان) است که در سال ۱۳۶۸ پس از فروکش کردن جنگ تحمیلی گروهی از کودکان و نوجوان در شهر همدان چند نمایش را با موضوعات مختلف از جمله جنگ، پیامدهای بمباران مناطق مسکونی بر روی صحنه بردند که این آثار توجه همگان و افکار عمومی را به خود جلب کرد؛ در پی این اقدام با پیشنهاد دکتر اردشیر صالح‌پور، علی پویان و حمایت بی‌دریغ دکتر محمد حسن صوفی، مدیرکل توانمند و جوان آن سال‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان، نخستین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان با عنوان «امید» در مهر ماه ۱۳۷۰ در شهر همدان برگزار شد. این جشنواره اکنون ربع قرن از خود را سپری کرده است و گروه نمایش سارا به سرپرستی بهرام دوست‌قرین پرافتخارترین گروه شرکت‌کننده در این جشنواره بین‌المللی است.

منصور خلج، نمایشنامه‌نویس و پژوهشگر فعال تئاتر کودک و نوجوان، سخنران اول این نشست با واکاوی دوره‌های برگزاری این جشنواره از زمان آغاز آن در همدان و سپس بم و زاهدان و گچساران و اصفهان و بازگشت به همدان به فراز و فرودهای این جشنواره اشاره کرد. او با تأکید بر اینکه از تئاترهای عهد باستان تا آثار معاصر، کمتر به نمایشنامه‌نویس صاحب نامی برخوایم خورد که در زمینه تئاتر کودک و نوجوان اثری خلق کرده باشند، با اشاره به نقش‌بازی و روان‌شناسی کودک، از نمایش کودک به‌عنوان یک شیوه آموزش در جهت رشد و شکوفایی خلاقیت کودک و نوجوان نام برد و

گفت: نمایشنامه‌نویسی برای کودک و نوجوان کاری تخصصی است، محتاج به شناخت دنیای کودک، قدرت نوشتن و تخیل قوی است. نویسنده تئاتر کودک باید بداند چگونه می‌توان به دنیای کودکی رجوع کرد؟ درونکاوی و بازگشت به خاطرات کودکی و بازآفرینی خلاقانه، لازمه نوشتن است.

نویسنده کتاب «درام نویسان جهان» سخنانش را این گونه به پایان رساند:

تئاتر کودک در ایران بی‌سابقه و ناشناخته نیست، اینک بیش از همه نیاز به آموزش و پژوهش دارد. با گذشت این همه سال، در دانشکده‌های تئاتری این کشور، رشته‌ای تخصصی به نام تئاتر کودک و نوجوان وجود ندارد تا کارشناسان این رشته را تربیت کند که رشد و بالندگی تئاتر هر کشور ریشه در تئاتر کودک و نوجوان آن کشور دارد.

دکتر محمد عارف، نمایشنامه‌نویس و دانشیار انسان‌شناسی هنر، سخنران دیگر این نشست بود. او با اشاره به کتیبه‌های یافت شده که به تعلیم و تربیت پرداخته‌اند با تأیید نظر دبیر علمی این نشست درباره پیشرو بودن جبار باغچه‌بان در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان گفت: متأسفانه ما در پیشینه‌شناسی خود دچار عدم خودباوری هستیم؛ درحالی‌که بسیاری از غربیان ما را در بسیاری از موارد پیشرو می‌دانند؛ ما این را باور نداریم.

او مهمترین عامل در تربیت یک نسل را اهمیت بخشیدن به کودکان دانست و گفت: برای نگارش یک نمایشنامه کودک باید مخاطب‌شناسی کودک را در نظر گرفت و با استفاده از عناصری مثل فانتزی، موسیقی، رنگ و نور و دکور و... به عینیت بخشی برای کودک کمک کنیم و زبان کودکان را فراموش نکنیم.

نویسنده نمایشنامه «شور شیرین» با اشاره به پیشینه غنی فرهنگ ایرانی، استفاده از فرهنگ بومی، اساطیر ایرانی، بازی‌های نمایشی و... گفت: اگر طبقه‌بندی کودکان، مردان، زنان، همگانی را برای آیین‌ها در نظر بگیریم، ادبیات نمایشی کودک و نوجوان را راهی برای حفظ این فرهنگ ملی است و از اینجا راه جهانی شدن این آثار هم با تکنیک فراهم می‌شود.

بهرام دوست‌قرین کارگردان و سرپرست گروه نمایش سارا، پرافتخارترین گروه شرکت‌کننده در جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان دیگر سخنران این نشست بود؛ برای معرفی او، نخست فیلمی که در مراسم بزرگداشت وی در بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان ساخته شده بود، پخش شد و سپس وی به بررسی ابعاد جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان پرداخت و گفت: این جشنواره در زمان دبیری مصطفی رحمان دوست، به صورت بین‌المللی درآمد؛ که در نگاه اول گام بلندی است؛ اما عدم توجه



به آموزش و بودجه‌ریزی برای یک جشنواره بین‌المللی، سبب شد آثار ایرانی شرکت‌کننده در این بخش، فاقد کیفیت لازم باشند و شرکت‌کنندگان برجسته خارجی در سطح بین‌الملل نیز به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و عدم تخصیص بودجه لازم، علاقمند به شرکت در این جشنواره نیستند.

برگزیده جایزه جهانی یونیسف، در ادامه به شیوه انتخاب دبیران اشاره کرد و گفت: این انتظار وجود دارد که یک دبیرخانه دائمی (در شهر همدان)، و یک دبیر وجود داشته باشد که به ویژگی‌های فرهنگی این شهر آشنا باشد و علاوه بر تحصیلات و ارتباطات بین‌المللی و مدیریتی، از فعالان تاثیر کودک و نوجوان شناخت داشته باشد. عدم وجود این موارد در دوره قبل باعث شد چند ماه مانده به جشنواره، آقای دکتر اردشیر صالح پور به عنوان مشاور عالی به مجموعه جشنواره اضافه شود تا دبیر وقت بتواند به کارش ادامه دهد.

در این دوره نیز انتخاب دبیر جشنواره بدون در نظر گرفتن ملاک‌های یاد شده، نشان داد که مقیاس صحیحی برای انتخاب دبیر جشنواره وجود ندارد. در طبقه‌بندی این بخش‌ها، ملاک‌های علمی وجود

ندارد و بیشتر سلائق دبیران اعمال می‌شود. در بخش انتخاب داوران نیز حلقه معدودی انحصار داوری را از آن خود کرده‌اند و در بخشی به‌عنوان داور حضور دارند و در بخش دیگر جشنواره اثری از خود منتشر می‌کنند و در بخش دیگر، اثری از خود بر صحنه آورده‌اند. این دایره که اغلب دارای تخصص ویژه‌ای هم نیستند، باعث شده‌اند پیشکسوتان و افراد برجسته به دلیل همین داوری‌ها از شرکت در جشنواره خودداری کنند.

در پایان دکتر محمد نجاری، دبیر علمی نشست، ضمن تقدیم این جلسه به جبار باغچه‌بان (پدر تاثیر کودک و نوجوان ایران) و دکتر محمدحسین صوفی، برای بنیان نهادن جشنواره تاثیر کودک و نوجوان، ابراز امیدواری کرد که فعالان فرهنگی و شورای شهر، در نامگذاری میدان اسدآبادی به نام جبار باغچه‌بان، اهتمام ورزند زیرا جبار باغچه‌بان در مدرسه جنب میدان اسدآبادی یوسف آباد، به تدریس مشغول بوده است.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر سعید ناجی

مصیبت وارده درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

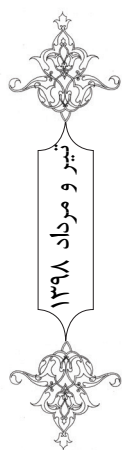
سرکار خانم سیده یاسمن قوامی

مصیبت وارده درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

سرکار خانم دکتر مژگان روشن‌نژاد

مصیبت وارده درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

روابط عمومی



نقش رسانه‌ها در تربیت دینی خانواده

یک ابزار هستند، صحیح نیست. رسانه‌ها فراتر از ابزار هستند، چرا که ما در عصر اطلاعات و جهان رسانه‌ای و دیجیتالی زندگی می‌کنیم. به تعبیری عصر و جامعه مجازی، عصر و جامعه واقعی شده است که به صورت شناور و سیال ما را در بر گرفته است. به تعبیر آنتونی گیدنز ما به پایان سنت رسیده‌ایم، پس می‌توانیم

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی دومین نشست از سلسله نشست‌های علمی نقش خانواده در گذر ایمن از فضای مجازی با عنوان «نقش رسانه‌ها در تربیت دینی خانواده‌ها» را روز ۲۵ تیر ۹۸ برگزار کرد. سخنرانان این نشست؛ دکتر سید محمود نجاتی حسینی، دکتر مهدی فتوره‌چی و دکتر



بگوییم به پایان عصر غیررسانه‌ای رسیده‌ایم. یعنی در درون شبکه‌ها زندگی می‌کنیم و آنها تمام ابعاد و وجوه هویتی و شخصیتی ما را دربر گرفته‌اند که به تبع آن چالش‌هایی ایجاد شده است. لذا این سوالات مطرح است که ماهیت رسانه‌های جدید چیست؟ ماهیت تربیت دینی چیست؟ چه رابطه‌ای بین تربیت دینی با زندگی رسانه‌ای و شبکه‌ای وجود دارد؟ چگونه معنویت در جهان امروز ممکن است؟ کدام قرائت از دین و با کدام مؤلفه‌ها؟

در ادامه نشست دکتر سیدمحمود نجاتی حسینی، مدیر بخش جامعه‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در خصوص سبک زندگی رسانه‌ای گفت: در تحلیل سبک زندگی رسانه‌ای نسل جدید، امروزه با پدیده‌ای مواجه هستیم که می‌توانیم از آن به زیست شبانه جوانان تعبیر کنیم. وی افزود: ما امروز با نوعی تعارض میان سبک زندگی اسلامی و دینی با سبک زندگی نوین مواجه هستیم. همچنین باید توجه کنیم که رسانه‌های نوین فقط یک ابزار نیستند، بلکه خود، پیام به شمار می‌آیند. دکترنجاتی در ادامه سخنان خود گفت: در این امر باید به ماهیت تربیت دینی توجه کنیم. تربیت دینی با آموزش دینی متفاوت است تربیت دینی به دنبال

محمد باقر تاج الدین (دبیر علمی نشست) بودند. در ابتدای نشست، دکتر محمد باقر تاج‌الدین، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و دبیر علمی نشست، در بیان مقدمه بحث گفت: اگر تعبیر سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و مدرنیته را به‌عنوان سه پیش فرض بپذیریم، بی‌شک دینداری یکی از اضلاع فرهنگی و هویتی جامعه ما در دوره طولانی ۱۴۰۰ ساله‌ای که از ورود اسلام به ایران می‌گذرد، است. بحث اصلی این است که پس از ورود مدرنیته به ایران دچار یکسری مشکلات و چالش‌هایی شده‌ایم که از آن تحت عنوان چالش‌های دینداری در ایران معاصر یاد می‌کنیم. اساساً مدرنیته، عقلانیت، اخلاقیات جدید، سبک زندگی و علوم و دانش‌های جدید برای ایرانیان و دینداران به ویژه نسل جدید چالش‌هایی ایجاد کرده است که شاید برای نسل‌های پیشین خیلی مطرح نبوده است. سؤالاتی که در ارتباط با دینداری برای این نسل مطرح است این است که سبک زندگی دینی با سبک زندگی ایرانی و مدرن چه قرباتی و یا احیاناً چه تضادی دارد؟ دکتر تاج‌الدین در ادامه افزود: یکی از چالش‌های مهم، بسط و گسترش رسانه‌ها در دوران مدرن است. به گفته مانوئل کاستلز «ما در عصر اطلاعات هستیم» لذا اینکه بعضی مطرح می‌کنند که رسانه‌ها فقط



جهت دادن به دینداری افراد است، اما آموزش دینی وظیفه انتقال دانش و دانسته‌ها درباره دین را عهده‌دار است. در تبیین ماهیت آموزش دینی باید به این نکته توجه کنیم که در این حوزه آموزش رسمی از جانب نهاد مدرسه و آموزش غیررسمی از جانب نهاد خانواده و آموزش دینی-مدنی مثل آموزش حقوق شهروندی از منظر دین و آموزش‌های عقیدتی تفکیک و تمایز وجود دارد. در بحث آموزش دینی بخشی از کارگزاران دین نظیر نظریه‌پردازان دینی وظیفه این آموزش را بر عهده دارند. به عنوان مثال در تاریخ معاصر دو قطب متفاوت یعنی مرحوم شریعتی و مرحوم مطهری نظریه‌پردازانی هستند که آموزش دینی را دنبال می‌کنند. ایدئولوژیست‌های دینی که به تلفیق نظریه‌های دینی با عمل سیاسی دست می‌زنند نیز به نوعی به آموزش دینی دست می‌زنند.

مدیر بخش جامعه‌شناسی دین دانشگاه تهران افزود: نکته دیگری که در این بحث قابل ذکر است، دو موضوع رسانه دینی و دین رسانه‌ای است. وقتی راجع به رسانه دینی صحبت می‌کنیم منظور این است که محتوی و جهت‌گیری رسانه دین است، فارغ از نوع رسانه که می‌تواند رادیو، تلویزیون، انیمیشن و غیره باشد در رسانه دینی وظیفه اطلاع‌رسانی، آموزش، تبلیغ و در صورت امکان تربیت دینی دنبال می‌شود. دین رسانه‌ای نوعی از دین‌گرایی و ژانر خاصی از دینداری است که ساختارش رسانه‌ای است.

دکتر نجاتی در بیان خطرات بالقوه در امر دین گفت: رسانه دینی خطر بالقوه برای امر دین به وجود می‌آورد که نظر جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. نکته آن است که این سفره پر از همه چیز و

همه کس، در همه زمان‌ها پهن می‌شود و هر کس به خود اجازه اظهارنظر در امر دین را می‌دهد. علاوه بر این، مهم‌ترین عارضه‌ای که ذهن پژوهشگران جامعه‌شناس دین را در نسبت بین دین و رسانه معطوف خود کرده است، خطر افتادن هویت‌یابی دینی و هویت‌سازی دینی است. دینداری‌هایی که با دینداری‌های سنتی متفاوت است و من از آن تعبیر به دینداری هیبریدی یا دینداری پیوندی می‌کنم. نوعی دینداری پیوندی مرکب و گلچین و گزینشی از ادیان‌های عرضه شده پیش رو که به درهم آمیزی آموزه‌ها و معارف آن ادیان دست زده است و با دین و دینداری سنتی متفاوت است.

نجاتی همچنین در بیان آموزش دینی گفت: در حوزه آموزش دینی، کاربران و تولیدکنندگان باید سواد رسانه‌ای داشته باشند. پایین بودن سواد رسانه‌ای موجب پایین آمدن کیفیت محتوا و فرم تولید شده می‌شود. به علاوه رسانه باید از ایدئولوژی دینی پیشی بگیرد.

سخنران پایانی نشست، دکتر مهدی فتوره‌چی، مدیر گروه مطالعات رسانه و فرهنگ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران گفت: با ورود دستاوردهای مدرن، ما هر روزه با مسائل بسیار پیچیده‌ای در عرصه رسانه‌ای مواجهه هستیم. به طوری که یک شخص به تنهایی نمی‌تواند برنامه‌ای راهبردی ارائه دهد. ترجیح و نیاز به هم‌اندیشی جمعی در این زمینه وجود دارد. مشکل امروز ما در بحث رسانه دین این است که کاربران با ریزه‌خواری داده‌هایی که دریافت می‌کنند، خود را همه‌چیزدان فرض می‌کنند. در این عصر ما با وضعیتی مواجهیم که به عاریت از عنوان فراکلیسای،



آن را سازمان فرامسجدی می‌نامیم. مقصود این است که اطلاعات و تبلیغات دینی دیگر در انحصار تبلیغ مساجد نیستند. به علاوه مفاهیم مذهبی امروز شکل نمادین و کالایی شدن پیدا کرده‌اند.

دکتر فتوره‌چی افزود: رسانه‌های رسمی دینی امروز عامل انحصار طلبی تلقی می‌شود و این باعث می‌شود که در مقابل کاربران تلاش کنند با استفاده از ظرفیت‌های آزاد فضای مجازی تنوع و تکثر را در امر دین ترویج بدهند و در برابر انحصار طلبی مقاومت کنند.

وی ادامه داد: رسانه‌های نوین امکان نشر آموزش‌های دینی از طریق افراد غیر منتسب به نهاد رسمی دین یعنی روحانیت را فراهم کرده‌اند و امروزه هر کس این امکان را دارد که با استفاده از مهارت‌ها و آموزش‌های رسانه‌ای، تریبونی مخصوص به خود ایجاد کند. باید توجه داشت آنچه که امروزه از آن تحت عنوان دین اینترنتی نام برده می‌شود، نوعی بازنمایی قرائت‌های دینی در فضای واقعی ماست. همچنان که ناهنجاری‌هایی که در فضای مجازی از امور اخلاقی جاری است، بازنمایی امر اخلاق در وضعیت واقعی جامعه ماست.

فتوره‌چی همچنین گفت: در بحث آموزش دینی و تقابل بین آموزش رسمی و غیررسمی باید اشاره کنم که در وضعیت فعلی بین آموزه‌های والدین در فضای خانه و خانواده و آموزه‌های نهادهای رسمی از قبیل مدرسه تقابل و تعارض وجود دارد. این وضعیت مثالی از جهان پارادوکسیکال و چیزی است که روان‌شناسان از آن تعبیر به دو تربیتی شدن می‌کنند. برای فرزندان ما در گذشته اولین گروه‌های مرجع پیش از حیات اجتماعی، والدین بودند. اما امروزه ما با پیدایش خانواده سلولی که هر

کدام از اعضا در سلول شخصی خود جداگانه به سر می‌برد، عملاً مشخص نیست فرزندان در وهله اول تحت کدام تبلیغ و آموزش قرار می‌گیرند.

دکتر فتوره‌چی در بیان آموزش دینی افزود: مبحث واسطه‌های آموزش دینی بسیار مهم هستند. خیلی وقت‌ها ما در جامعه با سؤالات عدیده‌ای درباره مباحث دینی و عقیدتی مواجه هستیم که علی‌القاعده می‌بایست توسط واسطه‌ها پاسخ داده شود. در این حوزه‌ها والدین اطلاعات و آموزش کافی ندارند و فرزندان نیز تحت تأثیر آموزش‌های دینی رسانه‌های مختلف قرار می‌گیرند. در بحث سواد رسانه هم چیزی که مغفول مانده است، لزوم سواد دینی در کار رسانه‌ای است. چیزی که توأمان مستلزم دانش رسانه و اطلاعات قابل قبولی از آموزه‌های دینی است. کسی که می‌خواهد در فضای جدید موفق باشد ابتدا می‌بایست در فضای مجازی به جذب مخاطب و در نهایت مخاطبات خود را به تربیون‌ها و منابع واقعی بکشانند.

دکتر فتوره‌چی در پایان سخنان خود به مشکلات موجود در امر تبلیغ رسانه‌ای دین اشاره کرد و گفت: یکی از مشکلات در امر تبلیغ رسانه‌ای دین، عدم توجه به تحولات عصر مدرن است. تحولاتی که به بیانی هر سه سال یک بار در حال رخ دادن است. مسئله مغفول دیگر عدم توجه به این نکته است که امروزه دیگر وسایل کمک آموزشی به وسایل اصلی آموزشی تبدیل شدند. از دیگر موارد مغفول مانده هم عدم توجه به روحیه استقلال طلبی نسل جدید است.



نظام‌های گفتمانی دیجیتال و آنالوگ

آنالوگ بوده و نمونه بارز آن را می‌توان در تمایل به جادو و افسانه دانست. در افسانه‌ها و در جادوگری انسان‌ها میل و آرزوی خود برای تأثیرگذاری بی‌واسطه و آنی بر پدیده‌های بیرونی را به نمایش می‌گذارند که نمونه آشنای آن را می‌توان در داستان‌های «هزار و یک شب» و «چراغ جادو» مشاهده کرد.

هاتفی سپس با اشاره به وضعیت دوره پست مدرن و رواج شبکه دیجیتال اظهار داشت: در این دوره هنر دیجیتال و فضای دیجیتال داریم اما در این فضای

در ۲۵ تیرماه ۱۳۹۸ نشست «نظام‌های گفتمانی دیجیتال و آنالوگ» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

دکتر محمد هاتفی سخنان این نشست با اشاره به ظرفیت‌های متفاوت مفهوم‌پردازی‌ها در تبیین رویدادهای انسانی، گفت: تفاوت‌گذاری دو اصطلاح دیجیتالی و آنالوگ خود یک تمایز دیجیتالی است اما این دو در عین حال به لحاظ دلالت، تقابلی هستند. از این رو هر حرکتی از سمت یکی از این قطب‌های



دیجیتال ممکن است نوع بازنمایی کماکان به دو صورت دیجیتالی و آنالوگ صورت پذیرد یعنی ما نباید نشانه دیجیتال و فضای دیجیتال را با نظام گفتمانی دیجیتال اشتباه بگیریم. در هر فضای نشانه‌ای از جمله در فضای نشانه‌ای دیجیتال ممکن است نشانه به هر دو صورت دیجیتال و آنالوگ برای ایجاد دلالت به کار گرفته شود. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شکل‌گیری فضای دیجیتال را در محصولات فرهنگی محصول پیوستاری دانست که از توالی نشانه‌های دیجیتال شکل می‌گیرد. وی عبور از وضعیت آنالوگ به دیجیتال و برعکس را امری اجباری دانست و اظهار داشت عبور از یک قطب به قطب دیگر، در هر وضعیت قطبی امری الزامیست چون حرکت در وضعیت‌های قطبی خواه ناخواه از یک قطب به قطب دیگر است.

در ادامه، جلسه پرسش و پاسخ و بحث صورت گرفت و در نهایت قرار شد پژوهشکده ادبیات با توجه به اهمیت سرنوشت فرهنگ و هنر و ادبیات و در کل، علوم انسانی در فضای دیجیتال، سلسله نشست‌هایی را با این موضوع برگزار کند.

مفهومی، به سوی دیگری خواهد بود.

عضو هیات علمی پژوهشکده زبان و ادبیات، در توضیح ماهیت این دو بیان کرد: نشانه‌های آنالوگ مدلول خود را مبتنی بر شباهت و پیوستار بازنمایی می‌کنند اما نشانه‌های دیجیتالی مدلول خود را مبتنی بر تمایز و ناپیوستار بازنمایی می‌کنند. به عنوان مثال اگر بخواهیم وضعیت جذر و مد دریا را با استفاده از یک استوانه نشان دهیم که تغییرات وضعیت بیرونی به واسطه بالا و پایین رفتن مایع درون آن بازنمایی می‌شود یک بازنمایی پیوستاری و مبتنی بر شباهت است اما اگر بخواهیم صرفاً با روشن خاموش شدن یک چراغ این وضعیت را نشان دهیم یک وضعیت دیجیتالی را برای بازنمایی استفاده کرده‌ایم.

وی ادامه داد: با توجه به ظهور رسانه دیجیتالی در عصر حاضر شاید این تلقی وجود داشته باشد که ما صرفاً در این دوره با امور دیجیتال و بازنمایی دیجیتال سروکار داریم اما این تلقی درست نیست بلکه هر وضعیت دلالتی خواه ناخواه از ابتدا مبتنی بر یک دوگانه دیجیتالی و

برگزاری اولین نشست کارگروه «مردم و مشارکت»

این راستا، دکتر قبادی گفت، مشارکت مردم در رخداد سیل امسال نقش مهمی در کنترل این مشکل داشت و نشان داد که مردم چه اثرات مهمی در بهبود مشکلات و کمک به حل مسائل دارند. برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در زمستان ۱۳۹۸ هم فرصتی برای مشارکت مردمی است که پژوهشگاه علوم انسانی می‌تواند اهمیت آن را کاملاً علمی و بدون توجه به رقابت‌های جناحی مورد مطالعه، بحث و مناظره قرار دهد.

همچنین اعضای کارگروه با تمرکز بر موضوع مشارکت مردمی در انتخابات، به اظهار نظر درباره موضوعات قابل بحث و گفتگو پرداختند و موضوعاتی مانند مرور تجربه زیسته ۴۰ ساله مشارکت مردمی در انتخابات، نقش احزاب در انتخابات، مجلس و قانونگذاری، نشانه‌شناسی انتخابات، تحلیل محتوا و گفتمان پیام‌ها در رسانه‌های سنتی و نو، هوش انتخاباتی، زمینه‌های باز شدن فضا، کمک به شنیده شدن صدای مردم، ایجاد فضای امید و نشاط‌آفرینی در جامعه را برای بحث، مناظره و گفتگو معرفی کردند.

روز دوم مرداد ماه ۱۳۹۸، اولین نشست کارگروه «مردم و مشارکت» با حضور دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و معاونان او و جمعی از اعضای هیأت علمی باسابقه پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای جلسه، دبیر این نشست، دکتر سیده زهرا اجاق به اهمیت مشارکت مردمی در جامعه و رابطه متقابل مشارکت و شرایط اجتماعی پرداخت و توضیح داد که این کارگروه می‌تواند با ارائه بسته‌های فکری و اجرایی به مدیران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور کمک کند تا در شرایط مؤثر بتوانند از مشارکت عمومی بهره‌مند شوند. در این نشست، انسجام اجتماعی جامعه ایران، سرمایه مهمی نامیده شد که با فراهم شدن فرصت‌هایی برای جلب اعتماد عمومی و مشارکت مردم می‌تواند مسیر فائق آمدن بر مشکلات معاصر جامعه از جمله تحریم، فقر و امنیت اجتماعی را هموار می‌سازد. اعضای کارگروه بر این موضوع تأکید کردند که پژوهشگاه سرمایه نخبگانی قابل توجهی دارد و به‌عنوان گروه مرجع و رهبر فکری می‌تواند به تناسب شرایط و مسائل به موضوع مشارکت مردمی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بپردازد و پشتوانه علمی و فرهنگی لازم را در نقاط مختلف کشور فراهم سازد. در



مسئولیت اجتماعی دانشگاه

کارآمد اجتماعی پرورش دهد. آنچه که به آن پرورش استعدادها و توانمندشدن می‌گوییم. مهم‌ترین آن تفکر انتقادی است. یعنی توان تجزیه و تحلیل معرفتی و رهایی‌بخشی. یعنی استقلالی وجود داشته باشد و تسلیم گفتمان‌های روز نشود. گفتمان بازاری و تجاری سازی هم امروز شکل گرفته که این هم مسئولیت دانشگاه نیست. دانشگاه محل تولید سرمایه هست



و نه محل تولید پول. دانشگاه محل گفتگو و بحث، یادگیری و یاددهی و تفکر انتقادی است. بازار و حکومت نمی‌توانند از بیرون چیزی را به دانشگاه تحمیل کنند. دانشگاه نمی‌تواند این وظیفه را محقق کند، در نتیجه چالش شکل می‌گیرد.

در ادامه نشست، دکتر مهدوی‌زادگان در پاسخ گفت: مفهوم وارونگی که به آن اشاره شد، با کلام آقای دکتر تداوم پیدا کرد. ایشان به معنا و مفهوم مسئولیت و مسئولیت دانشگاه پرداختند. در شکل مصداقی هم آنچه که از تاریخ دانشگاه بیان کردند، مقرون به واقع نیست. بنده به نظریه دو دانشگاه قائل هستم. ما در تاریخ معاصر دو دانشگاه داشته‌ایم؛ منظور دو روایت از دانشگاه نیست. این دو دانشگاه تا امروز هم فعال است و کار خودش را می‌کند. آقای دکتر درباره یکی از این دو دانشگاه صحبت کردند و در بیان‌شان نوعی وارونه‌گویی داشتند.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: تا مفهوم مسئولیت روشن نشود ما نمی‌توانیم بحث را پیش ببریم. به طور اجمال مسئولیت

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه، چهارمین جلسه طرح بصیرت‌افزایی با مناظره بین دکتر نعمت‌الله فاضلی و دکتر داود مهدوی‌زادگان از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با موضوع «مسئولیت اجتماعی دانشگاه» روز سه شنبه ۱۸ تیرماه ۱۳۹۸ در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد.

نعمت‌الله فاضلی در ابتدای نشست گفت: نهاد دانشگاه در ایران با چند ایده مسئولیت اجتماعی درگیر بوده است. نهاد دانشگاه خودش را به طور ساختاری پاسخگوی چه چیز می‌داند؟ اگر دارالفنون را به عنوان شروع دانشگاه معاصر و نقطه گسست از شکل‌های پیشامعاصر دانشگاه در ایران بدانیم، دانشگاه ایرانی در مرحله اول پاسخگوی قدرت سیاسی و سلطنت بوده است. لذا به آن دارالعلم یا دارالحکمه نگفتند و نامی شبیه به سرزمین تکنیک‌ها برای آن گذاشتند و در آن علوم‌مانند پزشکی و مهندسی و علوم‌ی که برای توپخانه‌ها مناسب باشد، شکل گرفت.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: گسست دوم از دوره شکل‌گیری دانشگاه تهران به وجود می‌آید. در این دوره مسئولیت اجتماعی دانشگاه، توسعه بروکراسی است. یعنی دانشگاه تأمین‌کننده بخش اداری است که در حال شکل‌گیری است. گسست سوم با انقلاب اسلامی آغاز می‌شود. در این دوره دانشگاه با مفهوم جدیدی به عنوان تعهد شروع می‌شود؛ تعهد به معنای پاسخگویی به گفتمان رسمی حکومت. در این دوره، دانشگاه باید پاسخگوی این مسائل یعنی آرمان‌های انقلاب، اسلام و ... باشد. لذا نوعی تعهد سیاسی و ایدئولوژیک دارد.

وی سپس گفت: نقد بنده این است که چه چیزی در درون این دانشگاه، مسئولیت تعریف نشده است؟ چه در دوره درالفنون، چه دوران پهلوی و چه جمهوری اسلامی. تقسیم‌بندی بنده به این سه دوره معنایش این نیست که ویژگی‌های مرحله اول و دوم باقی نمانده، بلکه چیزهایی به آن اضافه شده است. اقلیت حاشیه‌ای هم در کشور ما وجود دارد که گفتمان مقاومت در برابر این گفتمان رسمی را انتخاب کرده است. در صورتیکه این مسئولیت‌ها، مسئولیت‌های دانشگاه نیست، مسئولیت دانشگاه، یادگیری و یاددهی است و از قبال این مسئولیت است که انسان‌ها پرورش یافته و شایستگی‌های لازم برای جامعه معاصر پیدا می‌کنند.

نعمت‌الله فاضلی اضافه کرد. در تمام این سه دوره مسئولیت‌های تعریف شده متناسب با مسئولیت دانشگاه و منطق وجودی آن نبوده است. دانشگاه باید فرد

را در چند ویژگی می‌دانم: اول اینکه مسئول همیشه مورد خطاب وارد می‌شود. دوم اینکه در مسئولیت نوعی جدی گرفتن وجود دارد و نهاد یا فرد مسئول جدی گرفته می‌شود و سوم اینکه در مسئولیت امانت‌داری وجود دارد. علاوه بر این در مسئولیت تعهد، تکلیف و وظیفه وجود دارد. انسان مسئول متعهد به انجام کاری پیرامون امانتی که در دست دارد می‌شود. این امکان وجود ندارد که کسی خودش را مسئول بداند، اما قائل به تکلیف و وظیفه نباشد. همچنین مسئول، قابلیت مورد سؤال واقع شدن دارد. مورد سؤال واقع شدن هم معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که فرد، بد عمل می‌کند.



مهدوی زادگان سپس اظهار داشت: بر این اساس اگر بخواهیم صحبت از دانشگاه مسئول بکنیم، باید این دانشگاه این ویژگی‌ها را داشته باشد. دانشگاه مسئول تا پیش از انقلاب اساساً شکل نگرفته بود. یعنی نه مورد خطاب واقع می‌شد، نه جدی گرفته می‌شد، نه امانتی به او سپرده می‌شد و نه حتی مورد سؤال واقع می‌شد. یعنی ما یک دانشگاه تشریفاتی و زینتی داشتیم، در نتیجه در سازندگی و آبادانی کشور هم هیچ نقشی نداشت. اینکه چه چیزی باعث شده که دانشگاه در کشور ما مسئول نباشد جای بحث دارد. به عقیده من دانشگاه بعد از انقلاب توانست به مرحله مسئولیت پذیری برسد که به هیچ عنوان با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. در این چهل سال دانشگاه توانسته بسیاری از مسائل جامعه را حل کند. مردم چه در جنگ و چه در شرایط بعد از جنگ به دانشگاه روی آوردند و از دانشگاه خواستند مشکلاتشان را حل کند. وی اضافه کرد: تمام ویژگی‌هایی که آقای دکتر گفتند متعلق به دانشگاه تشریفاتی است و نمی‌خواهد

مسئولیت بپذیرد و مورد مخاطب قرار گیرد. این نگاه به دانشگاه هنوز هم وجود دارد و با قدرت هم به کار خود ادامه می‌دهد و اتفاقاً به شدت به قدرت متصل است. اراده‌اش معطف به قدرت است و به شدت برای بقای خود از قدرت استفاده می‌کند. این است که می‌گوییم در کلام ایشان وارونه‌گویی وجود دارد.

فاضلی در ادامه گفت: در اینجا مشخص است که با دو نوع نگاه به مسئولیت مواجه هستیم. یک نگاه مسئولیت را امر بیرونی می‌بیند و نگاه دیگر که بنده مطرح می‌کنم مسئولیت را درونی می‌بیند. ایشان مسئولیت را مورد خطاب واقع شدن می‌دانند. به این می‌توان استیضاح گفت که نظام‌های ایدئولوژیک دائماً شهروندان خود را استیضاح می‌کنند تا بتوانند آنها را به انقیاد خود در بیاورند. دائماً مورد خطاب واقع می‌شوی که چرا آن چیزی که باید پاشی نیستی. وی سپس خاطرنشان کرد: من دقیقاً عکس این را می‌گویم. معتقدم مسئولیت یک انتخاب است و نه یک استیضاح. بخشی از این انتخاب اراده‌گرایانه است و بخشی از آن ساختاری؛ یعنی موقعیت این امکان را به فرد می‌دهد. من مسئولیت را نوعی ظرفیت می‌دانم. ولی ایشان مسئولیت را ظرفیت نمی‌دانند، بلکه امر بیرونی می‌دانند که شما را مورد مخاطب قرار می‌دهد. فاضلی همچنین گفت: مسئولیت دانشگاه امانت‌داری نیست. بلکه نهاد مولد، خالق، به وجود آورنده پویایی و تغییر است تا دانش را از راه تفکر انتقادی و خلاق بیافریند. رویکرد بنده، مسئولیت به معنای ظرفیت است و نه امانت و تعهد و استیضاح. مسئولیت مفهومی برای به انقیاد در آوردن نیست و دانشگاه هیچ امانتی را از بیرون نمی‌پذیرد. بلکه از راه تفکر خلاق قرار است که دانشگاه مسئولیت را بپذیرد.

وی اضافه کرد: دانشگاه باید در چهارچوب منطق وجودی خود که یادگیری و یاددهی است، بالنده شود تا افراد بتوانند در آن پذیرای چیزی باشند و کنشگر و پیشگام باشند، نه اینکه چیزی را از آنها بخواهند. هر نهادی باید از استقلال نهادی برخوردار باشد. حکومت حق ندارد به نام آرمان یا هر مفهوم دیگری به نهادها تجاوز کند. باید تفکیک و استقلال نهادی را بپذیرد. نعمت‌الله فاضلی عنوان کرد: دانشگاه کارش نقادی است که اگر نتواند این کار را انجام دهد آن وقت شما مجبور هستید هر ۲۰ سال یک بار انقلاب کنید. موافقم که دو دانشگاه مسئول و غیرمسئول داریم اما باید بینیم که دانشگاه مسئول و دانشگاه غیرمسئول دقیقاً کجاست؟ امام خمینی در ابتدای انقلاب جمله‌ای داشتند که گفتند دانشگاه باید کارخانه آدم‌سازی باشد. با این جمله بسیار موافقم اما دانشگاه در کشور ما به کارخانه قدرت‌سازی تبدیل شد. ساخت ابزار، مدرک و ... ساخت آدم نیست.



درون مرزهای خودش چه مسئولیتی دارد. می‌خواهیم دانشگاه را به درون جامعه بیاوریم تا بتواند مشکلات جامعه را حل کند و نسبت به آنها مسئول باشد. وی خاطرنشان کرد: دانشگاه مسئول و غیرمسئول همین الان هم وجود دارد. اینکه می‌گوییم در کلام ایشان وارونگی است به این خاطر است که ایشان همه آن شناسنامه‌ای که به نام دانشگاه غیرمسئول است را به نام دانشگاه مسئول عنوان می‌کند. حقیقت این است که آن قدر که دانشگاه غیرمسئول از قدرت استفاده می‌کند دانشگاه مسئول این کار را نمی‌کند. دانشگاه غیرمسئول در سازندگی مشارکت نمی‌کند و کلی هم ادعا دارد.

دکتر مهدوی‌زادگان سپس عنوان کرد: در ۴ دهه اخیر جامعه با دانشگاه مدیریت شد. اینکه نگذاشتیم تحریم‌ها فلج‌کننده شود و ضربه‌گیر تحریم‌ها شدیم همگی به وسیله دانشگاه بود. دانشگاه مسئول به تحول در علوم انسانی می‌اندیشد، اما دانشگاه غیرمسئول مقاومت می‌کند.

در انتهای این نشست دکتر فاضلی و دکتر مهدوی‌زادگان به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفتند.

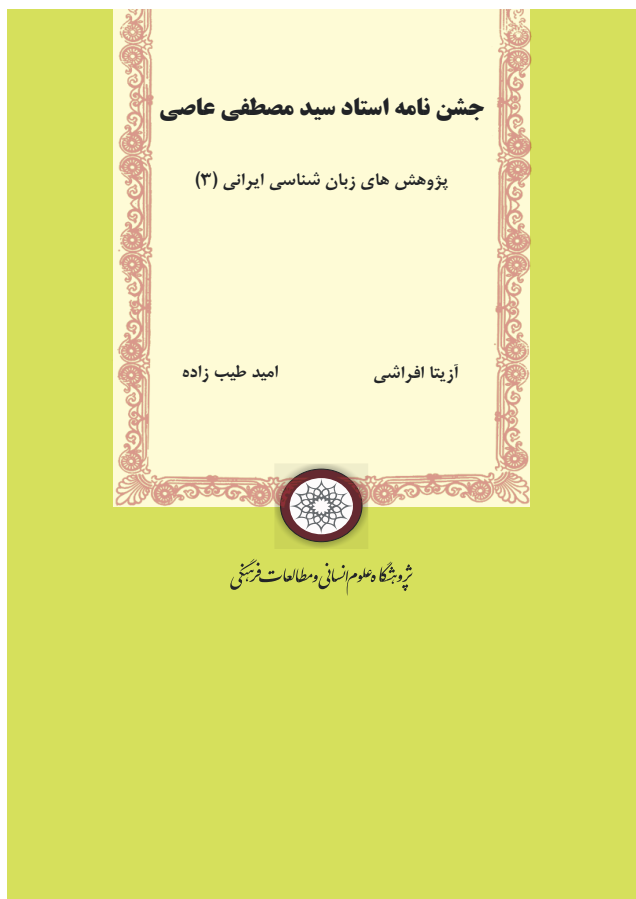
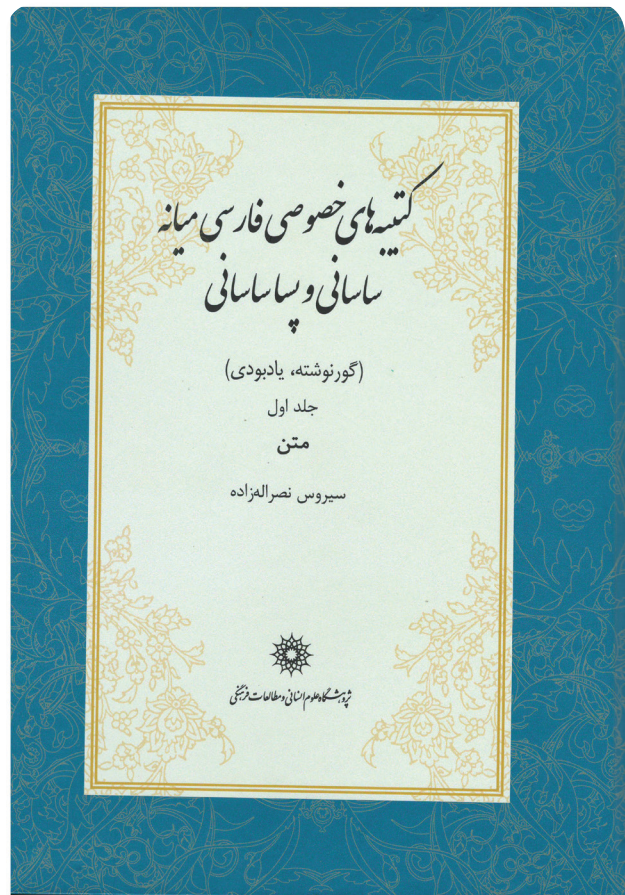
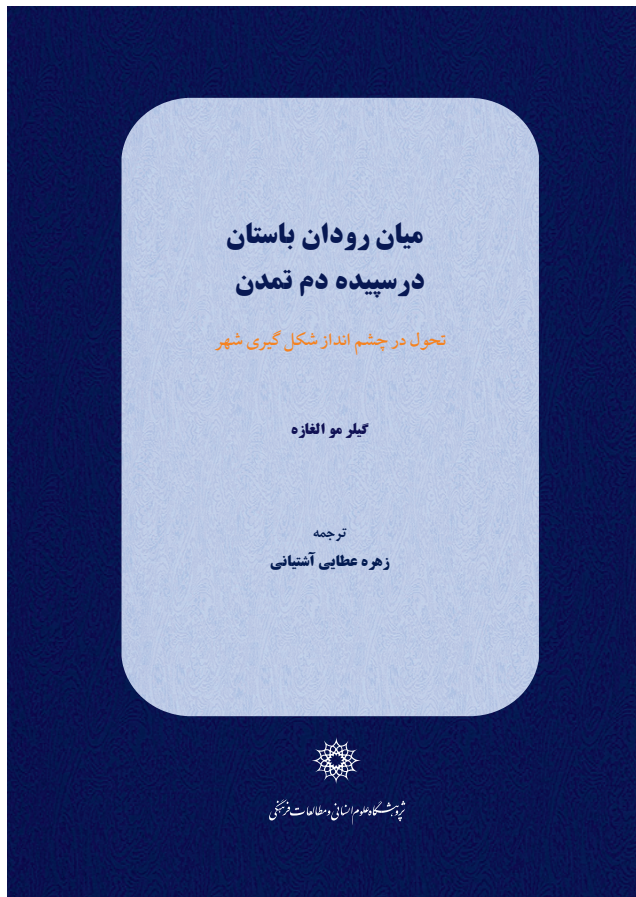
داود مهدوی‌زادگان در ادامه گفت: من نفی انتخاب نمی‌کنم بلکه سخن این است که مسئولیت چیزی بالاتر از انتخاب است. وقتی کسی در رشته‌ای ظرفیت سازندگی دارد اما بگوید چون حق انتخاب دارم این کار را نمی‌کنم، معنای این حرف این است که این شخص نمی‌خواهد در پیشرفت جامعه کمک کند. اینکه کسی حق استیضاح ندارد حرف متکبران‌های است. در درجه اول مردم حق دارند که دانشگاه را استیضاح کنند. با بمب اتم ۲۰۰ هزار انسان بی‌گناه را نابود کردند. این بمب اتم را دانشگاه ساخت. آیا این مردم و وجدان دانشگاه حق ندارد دانشگاهی که این بمب اتم را ساخت را استیضاح کند و بگوید «بای ذنب قتل؟».

دانشگاه مسئول، هیچ وقت خود را نهادی برتر و مرجعی بالاتر از همه نمی‌داند که هیچ کسی حق ندارد من را مورد سؤال قرار دهد. اتفاقاً دانشگاه مسئول، همیشه خود را بدهکار به مردم می‌داند چون مردم را ولی نعمت خود می‌داند.

مهدوی‌زادگان ادامه داد: وقتی صحبت از مسئولیت دانشگاه می‌شود یعنی دانشگاه در حضور خود در اجتماع چه مسئولیتی دارد. نباید بگوییم دانشگاه در



کتاب‌های جدید منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
کد اختصاصی: ۹۸۱۹۰-۰۰۵۰۵



پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی



موسسه تخصصی
آزمایشگاه شمس تبریزی



موسسه تخصصی

موسسه تخصصی

موسسه تخصصی

مکان: ایران، آذربایجان غربی، خوی

زمان: ۷ و ۸ مهرماه ۹۸

علاقه‌مندان می‌توانند جهت ارسال مقاله و کسب اطلاعات بیشتر به سایت همایش بین‌المللی علمی شمس و مولانا به آدرس www.conf-shams.ir مراجعه نمایند.

دبیرخانه علمی همایش: تهران بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادقی آینه‌سند وند (۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی // ۸۸۰۶۶۰۵۳۰ تلفکس

دبیرخانه اجرایی: استان آذربایجان غربی، خوی، خیابان شهید صمدزاده ساختمان شورای اسلامی شهر تولیت شمس تبریزی // ۰۴۴-۳۶۲۴۰۰۹۰



پنجمین همایش بین‌المللی شمس ومولانا

The 5th
International Scientific Conference
KHOY - IRAN
29-30
september
of Shams
and Mevlana

محورهای پنجمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا:

- شمس و مولانا از منظر پژوهش‌های ادبی و عرفانی
- شمس و مولانا از منظر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای
- تشابه و تمایز اندیشه‌های عرفانی شمس و مولانا (مطالعات تطبیقی)
- بازخوانی اندیشه‌های شمس و مولانا با رویکردهای میان‌رشته‌ای
- بازخوانی اندیشه‌های شمس و مولانا با رویکردهای نقد ادبی
- دیدگاه‌های شمس و مولانا در عرصه تفکرات دینی، فرهنگی و اجتماعی
- آسیب‌شناسی پژوهش‌های مرتبط با شمس و مولانا
- هنرهای آیینی و نمایشی متأثر از شمس و مولانا
- تأثیر مقالات شمس بر ادب فارسی و ترکی
- تشابه و تمایز اندیشه‌های عرفانی و کلامی شمس با سایر متکلمان
- تأثیر شمس و مولانا بر طریقت‌های پس از آنان
- نقش اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی در پرورش شخصیت شمس تبریزی
- بررسی تطبیقی اوضاع تاریخی-اجتماعی ایران و آناطولی مقارن عصر شمس و مولانا
- موقعیت جغرافیایی و اجتماعی خوی در توسعه علم و فرهنگ و عرفان
- ظرفیت مکتب شمس و مولانا در گسترش فرهنگ صلح، تعامل و مدارا در جهان معاصر
- جایگاه و نقش شمس و مولانا در پیوندهای فرهنگی و تعاملات ایران و ترکیه
- تأثیر نصوص دینی بر افکار شمس و مولانا
- نسخه پژوهی مقالات شمس
- جایگاه شمس در مناقب نامه‌ها
- رویکردهای روایی در مقالات
- عرفان اسلامی در اندیشه و آثار شمس و مولانا

KHOY - IRAN
29-30
september



محورهای همایش:

- 
- * ایرج افشار: دانش، روش، پژوهش (نواوری و خلاقیت)
 * ایرج افشار و احیای میراث‌های کهن و معاصر ایران
 * ایرج افشار و نامه‌ها و مکتوبات
 * ایرج افشار و مطالعات ادبی
 * ایرج افشار و مطالعات تاریخی (قاجار پژوهی، ...)
 * ایرج افشار و مطالعات ایران‌شناسی
 * ایرج افشار و کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری
 * ایرج افشار و نشریات و مجلات
 * ایرج افشار و مستشرقان
 * ایرج افشار و عکس‌های ایران
 * موقوفات ایرج افشار
 * زندگی و سلوک اجتماعی و فرهنگی ایرج افشار

آخرین مهلت ارسال چکیده: ۳۰ مهر ماه ۱۳۹۸

آخرین مهلت ارسال اصل مقالات: ۱ بهمن ماه ۱۳۹۸

تاریخ برگزاری همایش: ۵ اسفندماه ۱۳۹۸

نشانی رایانامه: naamavaran1@yahoo.com

نشانی سامانه همایش: <http://namavaran1.ihcs.ac.ir>

نشانی دبیرخانه: تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

• قلفن تماسی: ۰۴۰۰۲۱۰۹۲۲۹ •



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریہ احدی

ہیأت تحریر یہ: محسن باباخانی، شہرام اصغری، صادق کیا و سعیدہ زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام رسانها: @ihcss, @pajoheshgah